

نابود باد امیرالایم جهانی
سرکردگی امیرالایم امریکا
ویاگاه داخینو



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۱۲

دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۳

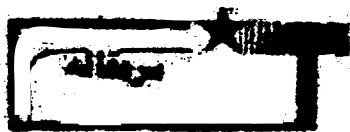
سال نهم - شماره ۱۸۰

ما چه میخواهیم و

برای چه مبارزه میکنیم

طرح برنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در صفحه ۳



ایران پرچمدار احیای پیمان ستو

بدنبال تحولات دو سال اخیر در منطقه خاورمیانه و سرکوب هر چند موقت جنبش فلسطین و درهم شکستن پایگاههای عمده چریکهای فلسطینی در لبنان توسط اسرائیل و برآندگی فلسطین در کشورهای مختلف عربی، هم-چنین سیاستهای سازشکارانه و مداخلات جویانه رهبری این جنبش که بموضع اتخاذ یکخط منی انقلابی، به بندوبستهای دیپلماتیک با ذول ارتجاعی منطقه دلخوش کرده است و نیز به دنبال ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و به این سبب، حضور آشکار و علنی ناوگانهای آمریکا و نیروهای واگنش سریع آن در خلیج فارس، اکنون گامهای جدی دیگری در جهت تقویت هر چه بیشتر مواضع آمریکا در منطقه برداشته می شود که همانا احیای پیمان ستو و از این رهگذر تقویت پیمان ناتو در خاورمیانه می باشد. پرچمدار این اقدام ضد انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی شده است و گویا این نیز در زمره مبارزات مشتمع "ضد امپریالیستی" رژیم حاکم بر ایران قلمداد می شود. پس از سقوط رژیم شاه که از پایه های اصلی امپریالیزم و ارتجاع در منطقه بود، جنبش

دنباله در صفحه ۲

نمایشی از دموکراسی اسلامی

که حتی سر بخشی از بورژوازی خودی را هم زیر آب کرده بودند. و چه اهمیتی داشت که در جریان انتخابات با تمام به بند و بکوبها و تهدیدها چه حادث شده است. بوق رژیم همچنان همان آوای شرکت وسیع و میلیونی مردم و آزادی را جار می زد، اما گذش درآمده بود، پس این بار قسم حضرت عباس را هم چاشنی کردند. امام گفت: دشمنان گمان نکنند که الان در ایران یک خبری شده است، ایران یک انتخاباتی آزاد که در تمام دنیا یکهم-چنین انتخابات آزادی نبوده است. و

انتخابات دوره، دوم مجلس، هرآنچه که بود، بیش از پیش بوی عفن دموکراسی اسلامی را در شهر گسترانید. اما بونهای رژیم که وقاحت را جار می زدند از تکوتا نیفتادند. سران قرار بر این گذاشته بودند که حزار اعتماد وسیع نوده ها، شرکت خیره کننده مردم و آزادی آزادی بی حد و حصری که در هیچ نقطه زمین سراسر را نمی توان گرفت، سخن گویند. ناطق نوری قبل از شروع انتخابات گفته بود که "آیا این آزادی انتخابات ما در جاهای دیگر چشم می خورد؟" و این در زمانی بود

دنباله در صفحه ۷

روزیونیسیم: "انقلاب ایران در راه بازگشت"

شکنجه، سران خیانت پسته، "حزب توده" گسترش پیدا کرد. گویی تا آن موقع که ده ها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق های ایران شکنجه و تیرباران شده بودند، ایمان باورشان نشده و یا برای خدش دار نشدن بروسه شکل گیری "جبهه متحد خلق در رهبری امام خمینی" بروی مبارکشان دنباله در صفحه ۸

هنوز چند صاحبی از دستگیری سران "حزب توده" نگذشته بود که بتدریج نشانه های اولیه "زلزله ای" خفیف در آثار و نوشته های توده ای - اکثریتی آغازیدن گرفت. غرولنده های دانشمند ما پانه آنان در باره "زیر پا گذاشته شدن آزادی و استقلال و توسط رژیم جمهوری اسلامی بالا گرفت و به تائید وجود شکنجه در زندانها و

"تلاشی "شورای ملی مقاومت" قطعی است

از سوی رهبران مجاهدین خلق روبرو شد. چرا که در ماهیت امر تفاوت اساسی میان خط منی این دو جریان وجود نداشت. اکثریت راه نازش با یک جناح بورژوازی به سرکردگی حزب جمهوری اسلامی را برگزید و مجاهدین خلق نیز راه

در خرداد ماه سال ۶۰ هنگامیکه ائتلاف مجاهدین سازمان مجاهدین خلق پا شد. از همین زمان به رهبری بنی صدر، شکل و مناسبت گرفت، انقلاب ایران پس از این زمانه اکثریتی ها با سر بردگی

دنباله در صفحه ۱۰

در این شماره

یادداشت های سیاسی

اطلاعیه کمیته خارج از کشور

تعمیم خبری

کمیته های منعی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایچسازد کنیم

ایران

انقلابی ایران، امیدهای بسیاری در دل جنبشهای انقلابی در این نقطه از جهان بیدار آورد. اما از همان ابتدای به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی، روشن بود که این رژیم بنا بر ماهیت طبقاتی خود، نمی تواند گامی در جهت تقویت این جنبشها بردارد. اگر در ابتدای روی کار آمدن و در اوج جنبش انقلابی خلق و تحت فشار تحولات ضد امپریالیستی توده ها، رژیم ناچار گشت اقدامات فریکارانه ای همچون بستن سفارت اسرائیل و گشایش سفارت فلسطین و لغو پیمان سنتو بنماید، اما از همان ابتدا روشن بود که این سیاستهای حيله گرانه و مزورانه تنها برای فریب توده های مردم و تحکیم قدرت خود بوده است. چرا که از همان ابتدای به قدرت رسیدن رژیم و بویژه پس از ماجرای سفارت و قطع رابطه ظاهری با آمریکا و با اصطلاح محاصره اقتصادی، سرعت مناسبات ایران با ترکیه و پاکستان گسترش یافت و این دو رژیم دیکتاتوری و دست نشانده و مسزودور آمریکا، ماموریت حفظ و حراست از منافع امپریالیزم آمریکا در ایران را بعهده گرفتند. این مناسبات هر سال گسترش بیشتری یافت بطوریکه بنا بر اعتراف سران رژیم، تنها طی دو سال پس از انقلاب، حجم مبادلات ترکیه و ایران به ۲۴۹ میلیون دلار رسید و اکنون تا پدناجا پیش رفته که طی سه هفته اخیر یک هیات ۴۰۰ نفری از مقامات ترکیه با ایران آمدند و یک هفته پیش از آن نیز هیات هزار نفری از تجار و سرمایه داران ترک برای عقد قرارداد های عریض و طویل میهمان رژیم ایران بودند. به دنبال ورود هیات اعزامی از ترکیه مذاکرات همجانبه آنان با مقامات حکومتی ایران، حجم مبادلات دو کشور ناگهان به دو میلیارد و دو بیست میلیون دلار بالغ گشت و حتی در مورد گسترش آن تا سطح سه میلیارد دلار مذاکره بعمل آمد و از این خوان بغض مهرهای در خور دریافت کردند. بطوریکه پس از این قراردادها آمریکا کمکهای اقتصادی خود به ترکیه را به نصف کاهش داد.

روشن است که در این مبادلات بازرگانی، ترکیه بخش واسطه گری برای آمریکا را به خوبی ایفا کرده است زیرا که ترکیه از واردکنندگان عمده کالاهای آمریکائی اعم از مصرفی و تسلیحاتی بشمار می رود.

نکته حالب اینکه همزمان با گسترش مناسبات ترکیه و ایران، شاهد آنیم که دولت ترکیه در پاسخ به دلالی سودا ورش برای آمریکا، قراردادی با شرکت جنرال دینامیک آمریکا جهت تولید مشترک جنگنده های اف شانزده منعقد می سازد و این خود بیانگر سرسپردگی ترکیه از یکسو و اعتماد عمیق آمریکا به این رژیم تحت سلطه خود از طرف دیگر است.

پایه های وحدت بین دو کشور "برادر و سلطان" ترکیه و ایران آنچنان که هاشمی رفسنجانی در اسفند ماه گذشته در دیدار خود با هیات ترکی آشکارا بیان کرد، بر سبک و کوب کمونیسم در منطقه استوار گشته است.

بر چه جهت نیست که دو کشور، بر روابط مرگین آسیر خود میمانند می کشند و لایحه آمریکا از موهبتهای الهی می دانند و چشم انداز گسترش این روابط را در بازار مشترک اسلامی شده آر. سی. دی. ترسیم کرده اند تا در پوشش اسلام عزیزشان، منافع امپریالیزم جهانی سرگردگی امپریالیزم آمریکا و انحصارات بین المللی را تحکیم بخشند.

پس از مسافرت هیات ترک به ایران و مذاکرات پشت پرده آنان بر سر احیای پیمان سنتو، این هیات راهی پاکستان می گردد تا نتایج دستاوردهای ضد خلقی اش را به اطلاع ژنرال آمریکائی ضیاء الحق برساند. همزمان با این دیدارها و امراز دیپلماسی سری که در پشت مناسبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی پنهان مانده است، توسط سفیر پاکستان در ایران نتایج آن مرقلا میگردد و سه ساله احیای پیمان سنتو در سایه اسلامی که اکنون پرچم سبزش می رود تا به "کمربند سبز" مورد علاقه آمریکا بدل شود خود نمائی می کند.

اما این تنها گوشه ای از بدریغ هدایای رژیم خمینی، به "شیطان بزرگ" امریکاست. پرچم اسلام، ابعاد گسترده تری نیز دارد. اگر ساله تقویت و حمایت بدریغ از جنبشهای ارتجاعی در منطقه نظیر حرکت اسلامی افغانستان، حزب الدعوه عراق و بخشی از جنبش امل در لبنان را که توسط رژیم ایران و پاکستان و بنا بر سیاست امپریالیزم آمریکا در منطقه صورت می گیرد با این مجموعه میفرزایم، خواهیم دید که چگونه سیاست کمونیستی فدائی، در حساس ترین نقطه خاورمیانه به نفع آمریکا تحقق یافته است و عملاً موازنه قوا در منطقه به زیان نیروهای انقلابی تغییر کرده است.

رژیم ایران نه تنها با گسترش مناسبات اقتصادی با ترکیه، منافع آمریکا را تأمین کرده است بلکه با برقراری مناسبات اقتصادی با رژیمهای فاشیستی تحت سلطه آمریکا چون اوروگوه، آرژانتین، برزیل، کره جنوبی، تایلند و تایوان و... و گسترش مناسبات خود با کشورهای امپریالیستی آلمان، انگلستان، اسرائیل و ژاپن که متحدان آمریکا محسوب می شوند موجب تقویت هر چه بیشتر امپریالیزم جهانی سرگردگی امپریالیزم آمریکا گشته است امروزه برای توده های میلیونی مردم، شعارهای تو خالی و بی محتوای "مرگ آمریکا و اسرائیل رژیم، به راستی به یک کمیدی واقعی بدل شده است و حمایت از جنبش فلسطین که زمانی با گشایش سفارت فلسطین به منظور تحت انقیاد در آوردن این جنبش از سوی رژیم اعمال شده بود به دشمنی آشکار با جنبش فلسطین و حمایت از شاخه ای از جنبش امل تحت عنوان انقلابیون مسلمان فلسطینی خود نمائی کرده است.

اکنون تنها یک تحول انقلابی قادر است وضعیت کنونی خاورمیانه را دگرگون سازد و در میان کشورهای منطقه، مناسب ترین پتانسیل برای آغاز این تحول انقلابی در توده های پنهان مانده ایران نهفته است زیرا که جنبش فلسطین در پراکنده گی بسر می برد و وضعیت

توده های زحمتکش در دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه حاکی از یک دوران انقلابی نیست. کشاکش انقلاب و ضد انقلاب در ایران، تا رضایت عمومی و خشم و نفرت توده های از رژیم حاکم بر ایران آن عامل عینی مناسب جهت بروز اولین حرقه های این تحول عظیم است و رسالت رهبری این جنبش را طبقه کارگر ایران بر عهده دارد.

پسروری قطعی انقلاب ایران قطعاً می تواند اولین گامها را در جهت تفسیر موازنه قوا به نفع انقلاب و خلقهای منطقه و تضعیف امپریالیزم جهانی سرگردگی امپریالیزم آمریکا بردارد.

در این میان مبارزه همه جانبه با احزاب رفرمیست و رویزیونیست که عمال بورژوازی در جنبش طبقه کارگر محسوب می شوند و تاکنون ضربات جبران ناپذیری بر جنبشهای انقلابی منطقه بویژه ایران، وارد آورده اند جز لاینفک و حدائی ناپذیری از این مبارزه محسوب می گردد.

از آنجا که ایران بلحاظ استراتژیک برای امپریالیزم جهانی و بویژه آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است قطعاً در این مبارزه شاهد مقاومت ارتجاع جهانی خواهیم بود. اما پسروری قطعی انقلاب ایران نیز پایگاه مطمئنی جهت تقویت انقلاب در منطقه و تقویت جنبشهای انقلابی منطقه بحساب می آید.



★ ★ ★



برنامه عمل

سازمان را

بهر طریق ممکن

بمیان توده ها بپیرید!

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش جهان

پیرامون ضرورت و خصوصیات برنامه

برنامه را از سوی ما نشان می دهد. اینک که مختصراً "ضرورت برنامه را مورد بررسی قرار دادیم لازم است اندکی در باره مضمون و شکل طرح برنامه نیز صحبت کنیم.

این طرح در کلیت خود دربر گیرنده برنامه حداکثر و حداقل پرولتاریاست. در این برنامه وظائف و نظرات اساسی ما، وظائف و درخواست های فوری ما مرزبندی شده است. برنامه از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول آن شامل بخش تئوریک و عمومی برنامه است که تمام مواد بعدی برنامه از آن منتج شده است. در این بخش، وجوه مشخصه اساسی نظام اقتصادی کونی ایران و جهت تکامل آن مورد بحث قرار گرفته است و شیوه تولید مسلط، مشخص شده است. این بخش با ذکر مشخصات سرمایه داری ایران و نه سرمایه داری بطور کلی آغاز می گردد. نحوه فرمول بندی به گونه ای است که تکامل تدریجی سرمایه داری در ایران و توأم با آن سلطه امپریالیزم و وابستگی اقتصادی، تضادهای ناشی از آن و مصائب اجتماعی که این سرمایه داری به سار آورده است به صراحت نشان داده شود. سپس رشد بدبختی، تنم، زندگی و تناهی و استثمار طبقه کارگر بعنوان نتیجه احتیاج ناپذیر این نظام و تکامل آن و رشد ناراضی در میان کارگران و در پایان نیز ضرورت انقلاب سوسیالیستی، نتیجه گیری شده است. در بخش دوم، وظیفه سیاسی فوری ما، روابط طبقه کارگر با طبقات دیگر مشخص شده است و دشمن اصلی بلاواسطه که مانع اصلی بر سر راه تکامل اجتماعی بطور اعم و تکامل جنبش طبقه کارگر بطور اخص محسوب می گردد روشن شده است. بخش سوم شامل مطالبات مشخص است و درخواست های برنامه حداقل پرولتاریا را دربر می گیرد. این بخش، خود به چند جزه تقسیم می شود. یک جزه، به درخواست هایی برای تغییرات انقلابی عمومی در سراسر کشور یعنی درخواست های دموکراتیک اساسی اختصاص یافته است و جزه دوم به درخواست های عمومی و رفاهی اجتماعی اختصاص داده شده است. جزه سوم شامل مطالباتی است در جهت برانداختن سلطه امپریالیزم، وابستگی اقتصادی و دموکراتیزه کردن اقتصاد کشور. جزه چهارم مطالبات کارگری و پنجم درخواست هایی به نفع دهقانان است که بخش ارضی برنامه را تشکیل می دهد.

این بود بطور مختصر روال برنامه. در اینجا لازم به تذکر است که در تهیه این برنامه در موارد متعدد و تا آنجا که تناقضی با شرایط مشخص ما نداشته است، برخی از فرمول بندی ها از برنامه های متبصر بویژه از طرح برنامه ارفورت و برنامه بلشویکیها نقل شده است. بخش وظائف فوری سیاسی و نیز بخش مطالبات مشخص نیز اساساً مبتنی بر "برنامه عمل" سازمان است. کمبودهای برنامه عمل در زمینه مطالبات مشخص کارگری نیز با تکیه بر بخش مطالبات مشخص کارگری برنامه، بلشویکیها و در نظر گرفتن مطالبات بویژه کارگران ما بدان اضافه شده است. در این طرح برنامه با توجه به رهنمود های مارکس، انگلس و لنین، اساسی ترین مبارزات و ضوابط حاکم بر یک برنامه پرولتاری و خصوصیات آن حتی در شکل، رعایت گردیده است.

نگات برنامه، مسلح، قطعی و بی چون و چرا است. هیچ ابهام و شرط و شروطی وجود ندارد. از این رو هم امر تبلیغ و ترویج را تسهیل می کند و هم راه را بر هرگونه ایورتونیسیم سد می نماید. برنامه ای است مشخص که از نیازهای عینی و زندگی واقعی نشأت گرفته و نه مجرد. یعنی از آن چیزی سخن گفته که حقیقتاً وجود دارد و آن چیزی خواسته شده که عملی و ضروری است.

در این طرح، تزه های کوتاه، مشخص و قابل فهم بدون کلمات زائد و جملات تکراری ارائه شده است. از توضیح و تشریح نیز خودداری شده است. جای توضیح و تشریح در برنامه نیست. بلکه در تشریحات تبلیغی و ترویجی و نشریات و بولتن های بحث های تئوریک است. و بالاخره زبان برنامه قاطع، صریح و روشن است تا هرگونه ابهام را از میان بردارد. همگی این خصوصیات سایر خصوصیات پرولتاری برنامه است. سازمان ما بنابه نقش و وظائف خود در جنبش و درک ضرورت برنامه، این طرح برنامه را تهیه و پیش از آنکه به تصویب قطعی برساند در سطح جنبش منتشر ساخته است. تا همه نیروهای مملکت امکان یابند انتقادات خود را در مورد آن اعلام کنند. ما مصراً از کلیه مارکسیست لنینیست های ایران می خواهیم که فعلاً در مباحث مربوط به این طرح شرکت کنند و نقش خود را در تدوین یک برنامه واحد انقلابی ایفا نمایند.

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

هنگام آن فرارسیده است که در جنبش کمونیستی ایران به پراکندگی و تشتتی که سالها دامنگیر این جنبش بوده است پایان داده شود. این نیاز نمیشد بر تالیفات و آرزوهای وحدت طلبانه بلکه ضرورتی است که از مقتضیات عینی مرحله کنونی جنبش ناشی شده است. مرحله ای که محصول یک دوران از مبارزه آشکار و انقلابی توده ای، رشد و اعتلاء جنبش کارگری، عمق و زرفا یافتن مبارزه طبقاتی، مرزبندی و تفکیک روز افزون طبقاتی و پیدایش احزاب و سازمان های توده ای ماهیت طبقاتی است. اکنون دیگر جنبش ما به مرحله ای رسیده است که دوران اشکال زندگی ماقبل حزبی را پشت سر بگذارد و به دوران زندگی حزبی گام بگذارد. اکنون دیگر ساله جنبش ما فعالیت های پراکنده گروهها و سازمان ها نیست، بلکه ساله اساسی وحدت و تنکلیات، وحدت درونی کمونیست های ایران و تشکیل یک حزب کمونیست سراسری، حزب طراز نوین لنینیستی است. چگونه می توان گام عملی و اساسی را در این جهت برداشت؟

با یک برنامه واحد انقلابی. زیرا برنامه، اولین و اساسی ترین گام در جهت وحدت بخشیدن به فعالیت مارکسیست لنینیست های ایران و محکم کردن پیوند آنهاست.

تنها برنامه می تواند مبنای برای وحدت عمل حزبی دهد. بدون یک برنامه انقلابی نه می توان مبنای برای وحدت نیروها ارائه داد و در جهت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر ایران گام برداشت و نه در امر سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا فعلاً مداخله کرد. چرا که برنامه قطب نمایی است که یک سازمان پرولتاری باید راه خود را در مبارزه طبقاتی از طریق آن کشاید. بر مبنای این نیازهای عینی جنبش بود که سازمان ما نزدیک به یک سال پیش طرح برنامه ای را که اکنون در سطح جنبش انتشار یافته است، در درون سازمان به بحث گذاشت. این طرح به محصول تصورات و تحلیلات ذهنی بلکه زائیده و برخاسته از زندگی واقعی است، منعکس کننده نیازهای عینی جامعه است و در گوران سخت ترین مبارزه ایدئولوژیک و ملاحظه تجربیات و دست آوردهای جنبش کمونیستی ایران و جهان بدست آمده است، با کلیه جریانات بورژوازی و خریده بورژوازی و ایورتونیسیم مرزبندی روشن و آشکار دارد و سند هویت خط انقلابی مارکسیستی لنینیستی است. واقعیت این است که امروز بیش از پیش سه جریان در جنبش خود را از یکدیگر متمایز می سازند و منسجم می کنند:

۱- خط ایورتونیسیم - رفرمیست که مبلغ سازش طبقاتی و معرف ارتداد در جنبش است توسط حزب توده نمایندگی می شود و اشکال "اکثریتی های" خاش را نیز دربر می گیرد. هر چند چهره رسوای ضد کارگری و ماهیت تئوری و براتیک این جریان بکلی فاش و برملا گشته است، اما این خط به مثابه خط ایورتونیسیم - رفرمیست به حیات خود ادامه خواهد داد.

۲- خطی که گروهها و سازمان های ناسیونالیست خریده بورژوا نظیر کومه و سپند آنرا رهبری می کنند و پس از ورشکستگی نظری و عملی آنچه که در جنبش ما بنام خط ۳ شناخته شده است، با تزئین و آرایش این خط خود را در سازمانی بنام "حزب کمونیست ایران" متشکل کرده اند و بقایای گروهها و سازمانهای متلاشی شده خط ۳ و نروتسکیست نظیر سیکار، رزمندگان، وحدت کمونیستی و امثالهم نیز به این جریان پیوسته اند.

۳- خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که سازمان ما مدافع سبک و نمائنده اصلی این خط در سطح جنبش محسوب می گردد. این خط که در میان کارگران و روشنفکران انقلابی ایران از نفوذ و اعتبار قابل ملاحظه ای برخوردار است و اکنون رهنه های عینی وحدت و انسجام نیروهای آن جنبش از پیش فراهم گشته است وظیفه عظیم تشکیل حزب حقیقتاً "انقلابی کمونیست" حزب طراز نوین طبقه کارگر را بر عهده دارد. حزبی که ضوابط مبنی و ذهنی جامعه بیش از پیش تشکیل آنرا هدایت فوری و سرم تبدیل کرده است. انتشار طرح برنامه از سوی ما نخستین گام عملی در راستای تشکیل آن است. همه این واقعیت ها و شرایطی که اکنون جنبش در آن قرار گرفته است، ضرورت انتشار طرح



ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم
شرح برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مدافع صنایع طبقه کارگر بطور اخص و از موضع طبقه کارگر مدافع عموم توده‌های زحمتکش ایران است. اهداف و مقاصد خود را آشکارا بصورت یک برنامه اعلام میدارد. این برنامه که در حقیقت کيفرخواست کارگران ایران علیه نظام مبنی برستم و استثمار سرمایه‌داری و سند حکومت قطعی این نظام محسوب می‌شود، در عین حال اعلان جنگ نهایی به تمام سرمایه‌داران و کلبه می‌نویسد است که مدافع وصمیت فلاکت‌ناگونی و نظام مبنی بر بردگی کار مزدوری هستند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنظور تحقق این اهداف که چیزی جدا از اهداف و صنایع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استثمارشده و مستبدیده ایران را به تشکیل و اتحاد حول این برنامه فرا می‌خواند.

۱- توسعه مبادله بین‌المللی و تولید برای بازار جهانی آنچنان مناسبات نزدیکی میان تمام ملت‌های جهان بوجود آورده است که جنش‌رهای بخش کبیر پرولتاریا به‌ناگزیر می‌بایستی بین‌المللی شود و از مدت‌ها پیش نیز بین‌المللی شده است.

ما به‌مثابه ادامه دهندگان راه سنیانگذاران حزب کمونیست ایران در ۱۹۲۰ خود را گردانی وزارت‌های پرولتاریا و بخشی از جنش کمونیستی جهانی تلقی می‌کنیم و برای همان هدف نهایی مبارزه می‌کنیم که کمونیست‌های سراسر جهان. این هدف نهایی بوسیله خصلت حاصه سرمایه‌داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۲- شیوه تولید سرمایه‌داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالای مبنی بر روابط تولید سرمایه‌داری است و در آن بهترین و اساسی‌ترین بخش وسائل تولید و مبادله به تعداد قلیلی افراد تعلق دازد در حالی که حصیت کبیری مرکب از پرولتاریا و سیمه پرولتاریا بنا به موقعیت اقتصادی خود ناگزیر به‌طور مداوم با بصورت فعلی نیروی کار خود را بفروشد، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران بوقوع پیوست مسلط شد.

۳- این تحولات که بر مبنای رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالای و نیز نیاز سرمایه‌های امپریالیستی صورت گرفت، مناسبات تولید کالای را تا اقصی نقاط کشور گسترش داد. ایران که تا پیش از رفرم‌های اوائل دهه چهل به‌مثابه تولیدکننده معمول واحد نفت در سیمت جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود از این پس به نحوی هم‌جهان‌تر در نظام جهانی اقتصاد امپریالیستی ادغام گردید و به‌مان وابسته شد.

۴- تسلط شدن شیوه تولید سرمایه‌داری که با صدور روزافزون سرمایه‌های امپریالیستی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیکهای جدید همراه بوده است، بطور مداوم منجر به از میدان بیرون راننده نندن موسسات کوچک بوسیله موسسات بزرگ شده است. تولیدکنندگان کوچک که یاری مقاومت در برابر موسسات بزرگ را ندارند دائماً "خانه خراب می‌شوند، برخی به‌بیرونتاریا تبدیل می‌گردند، نقش دیگران در عرصه اقتصاد و اجتماعی محدودتر می‌گردد و در پاره‌ای موارد بنحو مشقت‌باری به سرمایه وابسته می‌شوند.

۵- پیشرفت‌های تکنیکی که استفاده هرچه بیشتر از کار زنان و کودکان را در پیرویه تولید و مبادله کالا افزایش داده است و نیز قدرت جذب محدود نیروی کار در سرمایه‌داری وابسته ایران سبب شده است که مدام تقاضا برای نیروی کار افزایش یابد و سرمایه‌داران امکان بیشتری یابند تا درجه استثمار کارگران را بالا ببرند. از اینرو وجود یکارتش عظیم سیکاران سبب شده که کارگران با عرصه ارزان نیروی کار خود در معرض ستم و استثمار شدیدی قرار گیرند و سطح استثمار آنها فوق‌العاده افزایش یابد.

۶- بحران‌های اقتصادی که بر اثر تضاد ذاتی سرمایه‌داری بنحو اجتناب‌ناپذیری بطور ادواری بروز می‌کند و در ایران بر اثر وابستگی اقتصادی بطور مداوم و کم‌سابقه‌ای تشدید می‌شوند و طولانی‌تر می‌گردند. این روند را بازمه بیشتر شدت می‌بخشد. بحران‌ها و دوره‌های رکود از یکسو خانه‌خواری تولیدکنندگان خود را تشدید می‌کنند و از سوی دیگر وابستگی کارگر مزدگرم به سرمایه‌افزایش می‌یابد و با سرعت بیشتری بحر موخامت نسبی و مطلق وصمیت طبقه کارگر می‌گردد. فقر و بدبختی، عدم اعتماد به آینده، فقدان تامين اجتماعی بنحو

روزافزونی بیشتر می‌شود و نابرابری و شکاف میان ثروتمندان و تهی‌پستان مدام عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌گردد.

۷- از اینرو به‌نسبت اینکه تضادهای ذاتی سرمایه‌داری رشد می‌کنند و توسعه می‌یابند، بر نارضایتی و اعتراض کارگران افروخته‌میشود، قدرت و همبستگی آنها افزایش می‌یابد. مبارزه آنها با استثمارگران تشدید می‌شود و تلاش برای رهائی از بوغ تحمل‌ناپذیر سرمایه بیشتر می‌شود. در عین حال روند توسعه سرمایه‌داری با تمرکز بخشیدن به وسائل تولید و مبادله و اجتماعی‌گردن پیرویه کار در موسسات سرمایه‌داری، بطور مداوم، امکان مادی جایگزینی سوسیالیزم بجای سرمایه‌داری یعنی امکان انقلاب اجتماعی را که هدف نهایی تمام فعالیت‌های کمونیست‌هاست هرچه بیشتر فراهم می‌سازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریائی با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به‌جای مالکیت خصوصی بوسائل تولید و مبادله و نیز تولید اجتماعی سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده به‌نابرابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم حاصه به طبقات پایان خواهد بخشید و بدین ترتیب تمام بشریت مستعبد را آزاد خواهد کرد.

۹- رهائی طبقه کارگر تنها بدست خود طبقه کارگر میسر است. چرا که تمام طبقات دیگر حاصه غیرمغ اختلاف منافع می‌که با خود دارند، همگی خواهان حفظ شالوده‌های نظام سرمایه‌داری‌اند.

۱۰- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی پرولتاریائی، دیکتاتوری پرولتاریاست که طبقه کارگر را قادر سازد مقاومت استثمارگران را درهم شکند و تمام موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار دارد از میان بردارد.

۱۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می‌داند که تضاد آشتی‌ناپذیر میان کارگران و سرمایه‌داران را فاش سازد.

اهمیت تاریخی و شرط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چارمنابذیری موقعیت توده‌های زحمتکش و استثمارشده دیگر را در حاصه سرمایه‌داری و نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهائی آنان از بوغ سرمایه برای آنها آشکار سازد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تمام اقتدار توده‌های زحمتکش و استثمارشده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می‌کنند به‌صوف خود فرا می‌خواند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خود را موظف می‌داند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر باشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا نیل به هدف نهایی رهبری کند تلاش ورزد.

۱۲- سرمایه‌داری جهانی تقریباً از آغاز قرن بیستم به امپریالیزم که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه‌داری است تبدیل شده است که در آن انحصارات، نقش تعیین‌کننده‌ای یافته‌اند. در این مرحله از تکامل سرمایه‌داری، جنگ‌های امپریالیستی که بارزترین آنها جنگ‌های جهانی اول و دوم بودند، برای تسلط بر جهان، کسب بازارهای جدید و انقباض ملل کوچک و خلق‌های عقب‌مانده احتساب‌ناپذیر شده است.

امروزه سرگردگی امپریالیزم جهانی را امپریالیزم امریکا به‌مثابه سنگر اصلی ارتجاع جهانی و زاندارم بین‌المللی، برعهده‌گرفته است که سابقه تسلط‌های امپریالیست‌های جنگ‌طلب را رهبری می‌کند، بلوک‌های متجاوز نظامی را تحکیم می‌بخشد، دست‌به‌محراب‌هوشی نظامی می‌زند و زمینه را برای یک جنگ جهانی جدید فراهم می‌سازد. امپریالیزم امریکا اصلی‌ترین دشمن مشترک کلبه نیروهای است که در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم بیکار می‌کنند.

- سطح فوق‌العاده بالای سرمایه‌داری جهانی، جایگزینی رقابت آزاد با سرمایه‌داری انحصاری، افزایش هزینه‌های زندگی، رشد سلطنتاریزم و هزینه‌های ناشی از آن موانع بزرگی بر سر راه مبارزه اقتصادی سوسیالیستی طبقه کارگر پدید آورده است. فقر، خانه‌خواری و عدم اعتماد به آینده همه این عوامل، مرحله‌گونی تکامل سرمایه‌داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نموده است. این عصر مدت‌ها است که آغاز شده و شکوه‌مندترین نمود آن انقلاب پیروزند کس سوسیالیستی اکثر در روسیه، انقلابات شرق اروپا، جنوب شرقی آسیا و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسیالیستی در مقابل اردوگاه امپریالیزم است.

- تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی می‌تواند بشریت را از جنگ‌ها و تمام مصائبی که امپریالیزم به‌بار آورده است رهائی بخشد.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریائی، امر آماده نمودن هم‌جهانیه پرولتاریا را برای کس قدرت سیاسی، برانداختن نظام



محموب میگردد. جمهوری دموکراتیک خلق که حاصل قیام مسلحانه توده‌ها و تبلور اراده آنها محسوب می‌گردد. یک دموکراسی توده‌ای است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده‌ها جایگزین بوروکراسی، ارتش و پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای محز از مردم خواهد شد.

از اینرو در جمهوری دموکراتیک خلق:

۱) ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای جدا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح عمومی خلق و ارتش توده‌ای جایگزین آن خواهد گردید.

۲) تمام دستگاه بوروکراتیک برجیده خواهد شد و اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ها از طریق شوراهای که بمثابة نهادهای مقننه و مجریه هر دو عمل می‌کنند، برقرار خواهد شد.

۳) سیستم انتصابی مقامات برخواهد افتاد و انتخابی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد گردید. صاحب مناصب، حقوقی برابر با دستمزد متوسط یک کارگر ماهر دریافت خواهند کرد.

۴) سیستم قضائی موجود منحل می‌گردد و دادگاههای خلق ایجاد خواهد شد.

در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک خلق باید مفاد زیر تضمین شود

۱- حق حاکمیت توده‌ها

- قدرت دولتی باید در اختیار نمایندگان انتخابی توده‌ها باشد که در هر زمان بوسیله انتخاب کنندگان قابل عزل باشند.

۲- انتخابی بودن قضات و کلیه صاحب مناصب کشوری و لشگری

۳- جایگزین شدن ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای با تسلیح عمومی خلق و ارتش توده‌ای.

۴- کنگره شوراهای نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق بمثابة عالی‌ترین ارگان حکومتی.

۵- حق رای همگانی برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افسراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.

۶- مصونیت فرد و محل زندگی او.

۷- آزادی مسافرت و اقامت و شغل.

۸- آزادی مکاتبات.

۹- لغو هرگونه تفتیش، شکنجه و حاسوسی.

۱۰- آزادی فکر و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه، سندیکا، شورا، احزاب و سازمان‌های سیاسی، حق اجتماع، میتینگ، تظاهرات، اعتصاب.

۱۱- جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت و مدارس از مذهب، مدارس باید مطلقاً غیرمذهبی باشند.

۱۲- لغو کلیه محدودیتها و تضییقاتی که علیه اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شود.

۱۳- برابری حقوق کلیه اتباع کشور، مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت.

۱۴- لغو هرگونه تبعیض برپایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.

۱۵- تضمین حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی و تشکیل دولت‌های مستقل برای کلیه ملل ساکن ایران.

- منافع طبقه کارگر ایران و زحمتکشان ملل تحت ستم ایران در این است که مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند اما این اتحاد نه اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

۱۶- خودمختاری و توسعه منطقه‌ای برای کلیه مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل می‌دهند.

۱۷- الفاء هرگونه امتیاز و اعمال ستم ملی، قومی و فرهنگی و نژادی.

۱۸- الفاء، زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس، سبادهای دولتی و استفاده از آن در مجامع عمومی.

* ما همچنین خواهان اقدامات عمومی زیر می‌باشیم:

۱- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه

- بهره‌مندی تمام دانش‌آموزان به‌هزینه دولت از غذا، پوشاک و سایر تحصیل و آب و دهان.

- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام موری در جهت یک سبک انقلابی منظور ریشه‌کن کردن بسوادی.

- برقراری نزدکترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد.

سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم، بموظیفه صرم روز تبدیل نموده است. انجام این وظیفه، مبارزه سرجمانه علیه تمام اشکال اپورتونسیسم را که بصور مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی، رسالت تاریخی و هدف نهائی آن محسوب می‌گردند و گسست قطعی از هرگونه اپورتونسیسم را می‌طلبد.

- از دیدگاه ما، خط اپورتونیستی رفرمیستی، که کاملاًترین تجلی آن اوروکومنیسم و نیز مدافعیین این خط مشی در کشورهای تحت سلطه نظیر حزب توده که با نفی نظری یا عملی انقلاب تهری و دیکتاتوری پرولتاریا مارکسیسم لنینیسم را از جوهر انقلابیستی تهی ساخته و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتری ساخته‌اند، خط سوسال تونستی یعنی سوسالیست درگفتار و سونست در کردار که سرکردگی آنرا حزب کمونست چین به عهده گرفته است و با دفاع از استراتژی سه‌جهان، این منفع سیاست‌سازش طبقاتی در مرصه جهانی شده است و نیز جریان‌ات تروتسکیستی که عمل خرابکار بورژوازی بین‌المللی در جنبش طبقه کارگر محسوب می‌نوند، جنگلی حاشیه منطقه کارگر و بطور کلی مرتد محسوب میشوند.

- علاوه امروز در جنبش کمونیستی جهانی، احزاب و سازمان‌های نیز وجود دارند که اگرچه از مارکسیسم لنینیسم منحرف شده‌اند، اما این انحرافات منحصر به تسلط خط اپورتونیستی رفرمیستی یا سوسالیست سونستی در این احزاب و سازمانها نشده است، بلکه به گرایش‌ات روبریونستی سونستی (نظیر احزاب کمونست نورو، آلمان ۰۰۰) و یا جب (نظیر حزب کمونست آلبانی) در غلطیده‌اند. از اینسرو امکان تغییر و اصلاح در آنها وجود دارد و مادامی که به یک جریان اپورتونیستی رفرمیستی یا سوسالیست سونستی تکامل نیافته‌اند، در جنبش کمونیستی های دارند.

- یگانه خط انقلابی مارکسیستی لنینیستی که ما مدافع بیکر آن هستیم مارکسیسم لنینیسم را یگانه ایدئولوژی طبقه کارگر می‌شناسد و با پذیرش عصر کنونی بعنوان عصر انقلابات پرولتری و نیز انقلاب تهری، دیکتاتوری پرولتاریا و اردوگاه سوسالیستی بمثابة متحد جهانی پرولتاریا، با اوروکومنیسم، تروتسکیسم، خروشچفسم و تمامی انحرافات موصوفه‌های کنگره‌های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونست اتحاد جماهیر نورو (نظیر گذار مسالمت‌آمیز به سوسالیسم، تز راه‌رشد غیرسرمایه‌داری خروشچیفی، رقابت اقتصادی، بعنوان مضمون ظلمرو نسر د دو اردوگاه، دولت و حزب عموم خلق و ۰۰۰) و نیز مدافعیین استراتژی "سه‌جهان" و "احیاء سرمایه‌داری در نورو" مرزبندی قاطع دارد.

- از اینرو خط مارکسیستی لنینیستی، خط انترناسیونالیستی و انقلابی پرولتری ما بربنی اتحاد و همکاری نام با خط انقلابی مارکسیستی لنینیستی، دشمنی و مبارزه قاطعانه با خطوط اپورتونیستی

- رفرمیستی و سوسالیست سونستی و با حفظ موضع مستقل! اتحاد و مبارزه ایدئولوژیک با جریان‌اتی که به گرایش‌ات انحرافی روبریونستی دچار شده‌اند، استوار می‌باشد. کمونست‌های کشورهای مختلف در راه هدف

سهائی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در سراسر جهان معین شده است، ناگزیر از اتحاد و وظائف فوری غیرمشابه‌اند، زیرا سرمایه‌داری در تمام کشورهای یک‌درجه توسعه نیافته و در کشورهای گوناگون سرمایه‌داری در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می‌یابد.

در ایران حاشی که سرمایه‌داری هم‌اکنون به شیوه تولید سلط تبدیل شده است، به سبب تسلط امپریالیسم، وابستگی اقتصادی و قنای متعدد نظامات ماقبل سرمایه‌داری که موانع عمده‌ای بر سر راه

بشرف‌ات اقتصادی و سلط کامل و همه‌جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب می‌شوند، ستم اقتصادی سیاسی که بر میلیون‌ها تن از توده‌های مردم اعمال می‌شود و دیکتاتوری عربان و عنان‌گسیختگی که بمثابة

جرم لاینفک روپنای سیاسی سرمایه‌داری وابسته، توده وسیع مردم را در ناآگاهی و انقصاد نگاهداشته است، پرولتاریای آسیران نمی‌تواند هدف فوری خود را در انقلاب سوسالیستی قرار دهد. بدین جهت

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، سرگونی رژیم ارنجاعی حاکم، پراگندگی ستم امپریالیسم و پایگاه اجتماعی آن (بورژوازی وابسته)، قطع هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم و دگرگونی

کردن جامعه را منظور تسهیل شرایط پرای گذار به سوسالیسم، وظیفه نخست و فوری خود قرار می‌دهد.

- انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی سوسالیستی،

- ۸- برخورداری زنان از حقوق و مرأیای کامل و برابر با مردان در ازای کار مساوی.
- ۹- مرخصی زنان باردار، دو ماه قبل و دو ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و داروئی رایگان.
- ۱۰- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون ششخوارگاه، مهد-کودک، حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار.
- ۱۱- ممنوعیت کسر دستمزد سهپان حربه، خسارت و غیره.
- ۱۲- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینهها.
- ۱۳- بیمه کامل اجتماعی کارگران، بیمه بیکاری، سوانح، نقض عضو، جراحت، کبولت، امراض ناشی از حرفه، ازکارافتادگی.
- ۱۴- برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر کلیه بنگاهها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.
- ۱۵- ایجاد کار برای کارگران بیکار و پرداخت حقوق عادل مخرج یک خانواده زحمتکش برای کارگران بیکار.
- ۱۶- تضمین حق تشکیل سندیکاها و اتحادیههای کارگری و حق اعتصاب.
- ۱۷- تساوی حقوق کارگران کشاورزی و امیر خدماتی با کارگران حرفهای

بمنظور پایان بخشیدن به کلیه بقایای سواژ، بسط مسازره طبقاتی در روستاها و افزایش سطح رفاه زحمتکشان روستا، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران خواهان اجرای برنامه ارضی زیرمیشاذه:

- ۱- ملی شدن کلیه اراضی، مراتع، جنگلها و همه منابع طبیعی و زیر زمینی.

- ۲- ضبط فوری کلیه اراضی، املاک و اسرار و وسایل تولید ملاکین و زمینداران بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آنها بدو هفتان متشکل شده در شوراها و اتحادیههای دهقانی.
- ۳- پشتیبانی از جنبش دهقانان برای مصادره ارضی، مادام که جنبه انقلابی و دمکراتیک داشته باشد.

- ۴- اراضی مکانیزه و بطور کلی زمینهایی که به سبب عالی کشت می شوند بدون آنکه تقسیم گردند باید تحت کنترل شوراها کارگران کشاورزی قرار گیرند.

- ۵- متشکل کردن دهقانان حرده یا در تعاونیها و تشویق دهقانان به کشت حصی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی بمنظور صرفمحموی در کار و هزینه محصولات.

- ۶- لغو کلیه بدهیهای دهقانان به دولت، بانکها و کلیه موسسات مالی، سرمایه داران، ملاکین و رباخواران.

- ۷- پرداخت وام بدون بهره دهقانان و تأمین هرگونه کمک تکنولوژیک از قبیل ماشین آلات، کود، بذر و غیره.

- ۸- توسعه شبکههای آبرسانی و برق سراسری در جهت رفاه زحمتکشان روستا.

- ۹- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری.

- ۱۰- بعلاوه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می داند که برای شکل طبقاتی مستقل رولتاریای روستا تلاش کند. تضاد آنتی ناپدیبری که میان او و بورژوازی دهقانی وجود دارد و سر نیاز به یک انقلاب سوسیالیستی را توضیح دهد.

- ۱۱- سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در راه سازره بخاطر مطالبات فوق الذکر، از هر جنبش انقلابی که مخالف سسستم اجتماعی و سیاسی موجود ایران باشد شناسایی می کند. اما در عین حال کلیه اقدامات رفرمستی را که متضمن نعمت یا گسترش مداخلات پلیسی بوروکراتیک در زندگی توده های مردم است فاطعه محکوم کرده و مردود می شمارد.

- ۱۲- سازمان جریکهای فدائی خلق ایران متعهد است که تحقق مطالبات فوق الذکر تنها از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک حلی به رهبری طبقه کارگر ماستر خواهد بود.

باستان

- ۱- تلفیق آموزش نظری و عملی.
- ۲- بهداشت و درمان رایگان.
- ۳- گسترش درمانگاهها و بیمارستانها.
- ۴- گسترش ششخوارگاهها، مهدکودکها، موسسات آموزشی - بهداشتی و پزشکی.
- ۵- تأمین مسکن و تعدیل اجاره بها.
- ۶- بمنظور کاستن از بار هزینه های زحمتکشان ضروری است که بعنوان یک اقدام فوری، منازل، آپارتمانها و کلیه ساختمانهای متعلق به نیروهای ضدانقلاب، هتلها و ساختمانهای رانده دولتی، بعنوان مسکن در اختیار زحمتکشان قرار گیرد.
- ۷- مادام که مشکل مسکن بطور بنیادی حل نشده است زحمتکشان صاحب مسکن نگذهند. اجارهها باید متناسب با سطح دستمزد زحمتکشان تعیین و به مرحله اجرا درآید.
- ۸- ایجاد کار برای بیکاران - تضمین شغلی.
- ۹- بیمه شدن در مقابل بیکاری و پرداخت حقوق عادل مخرج یک خانواده زحمتکش به بیکاران از سوی دولت.

بمنظور مبارزه عملی در جهت برانداختن سلطه امپریالیزم، قطع وابستگی، دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی زحمتکشان ما خواهان اقدامات زیر هستیم:

- ۱- ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، موسسات و بنیادهای مذهبی.
- ۲- ملی کردن بانکها و تمرکز آنها در یک بانک واحد.
- ۳- ملی کردن شرکت های بیمه و تمرکز آنها در یک موسسه واحد.
- ۴- ملی کردن موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ.
- ۵- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونیها.
- ۶- ایجاد و گسترش صنایع سنگین.
- ۷- القاء اسرار بازرگانی بمنظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.

- ۸- کنترل شوراها کارگری بر تولید و توزیع در کلیه صنایع، کارخانهها و موسسات.

- ۹- القاء کلیه قراردادهای امارتبار امپریالیستی و افشاء مفاد آنها برای آگاهی عموم خلق.

- ۱۰- لغو تمام مالیاتهای غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت و درآمد و اربت.

در زمینه سیاست خارجی، خواهان اجرای موارد زیر هستیم:

- ۱- اتحاد با خلقها و جنبشهای رهاشی بخش ملل تحت ستم، کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری به مثابه سه جزء لاینجزای یک جریان واحد انقلابی ضد امپریالیستی.

- ۲- برآمدن رسم دیپلماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادهای و پیمانها یا دول دیگر.

بمنظور مصون داشتن طبقه کارگر از تنهایی جسمی و روحی و بسط توان او در مبارزه برای رهاشی، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران مطالبات زیر را مطرح می نماید:

- ۱- ۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل بی دربی در هفته، یک ماه مرخصی سالانه یا پرداخت حقوق کامل.
- ۲- تعطیل کار روزانه کارگران معدن و دیگر صنایعی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز روبرو هستند، ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته.

- ۳- ممنوعیت کامل اضافه کاری.

- ۴- ممنوعیت سیمت پرداخت دستمزد بصورت جسمی.

- ۵- ممنوعیت شبکاری در تمام رشته های اقتصادی مگر در مواردی که به دلایل فنی یا رهاشی مطلقاً ضروریست و مورد تأیید شکل های کارگری قرار گرفته باشد.

- ۶- ممنوعیت استخدام کودکان در سنین تحمیل زیر ۱۸ سال.

- ۷- ممنوعیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آور است.



نمایشی از
الی آخر. و امامی کاشانی ندارد که "علاوه بر اینکه انتخابات آزاد بود. سالم هم بود و در جهان بی نظیر بود."

رژیم سعی بسیار نمود که تا آنجا که در بد قدرت دارد اختلافات و فضاحت‌های نمودار شده در انتخابات را بی‌عناد. در عین حال تناقضات درونی، رشته امور را در گره‌گاه‌های باره کرد و گوشه‌هایی از آنچه که بنام تخلفات انتخاباتی شهرت یافته است را هویدا ساخت. دم خروس از زیر قهای حضرات بیرون بیود و فریاد قسم حضرت عباس بپود. اما با وجود این "تخلفات" آیا آزادی لکه‌دار شده بود؟ نمود پالاه. حکومت اسلامی و لکه‌دار کردن آزادی؟! برای سران رژیم آزادی کلمه است که می‌توانند غرغره کنند و بعد آنرا تف کنند. وزیر کشور در هنگامه انتخابات گفت: "افراد جامعه آزادند نماینده خودشان را در انتخابات بر اساس حدود خدا برگزینند." و چه کسی حدود خدا را مشخص می‌سازد؟ ولی فقیه. در اینجا "آزادی" دوبار رنگ می‌بازد بیکار بنام مردم و دیگر بار بنام خدا و هر دو بار توسط سرنیزه و تکلیف الهی.

"تخلفات" آشکار گشت. اما گفتند با وجود ریزی در رستی تخلفات شرعی انتخابات محفوظ است و همچنان آزادی انتخابات اینجا در دنیا بی نظیر، چرا که اساساً "جمهوری اسلامی" دموکراتیک‌ترین نظام در پهنه گیتی است. با این وجود، انتخابات ۱۲ شهر و از جمله انتخابات حوزه‌های شیراز و اصفهان باطل اعلام شد. و چرا فقط این ۱۲ شهر؟ بدلائیل شورای نگهبان توجه کنیم. استفاده از امکانات دولتی، یک طرفه بودن بعضی از نظارت‌ها و گماشتن افراد مفرض، دعوت از افراد غیر معتمد و بدماقیه توسط مجریان انتخابات بنام اعتماد. سوء استفاده از قدرت و مقام اجرائی در حوزه‌ها، اعمال نفوذ بعضی از سرداران بسیج و سپاه، سوء استفاده از آراء بی‌سوادان، جو ناسالم و فضای رعب و وحشت.

اما کاشانی در پاسخ خبرنگاری که پرسید شایع است (و راستی جدود بعضی مسائل شایع می‌شود!) که علت ابطال بعضی از حوزه‌ها راه نیافتن داوطلبین گروه و جمعیت خاصی به مجلس بوده است گفت: "آنچه که برای شورا (ی نگهبان) مطرح نیست مشخصات کاندیدا است." و برعلل ویژه‌ای که به ابطال انتخابات در ۱۲ شهر فوق و از جمله اصفهان انجامید، تاکید کرد. یکروز پیش از مصاحبه "امامی کاشانی" استانداری اصفهان برآشفته از اظهارات کاشانی به پاسخگویی پرداخت.

۱- برعکس آنچه که گفته شده "آزادی کامل در اصفهان وجود داشته، هیچگونه اختناق و چیر و آراء بی وجود نداشته است."
۲- سوء استفاده از آراء بی‌سوادان بعمل نیامده و "صرف بودن خط مشابه دلیل مخدوش بودن صندوق نیست. و آراء با خط مشابه یا یک خط در بسیاری از صندوق‌هایی که در مناطقی که بیسواد وجود دارد حتی در شهرهای بزرگ

مثل تهران یافت می‌شود." ۳- آراء مخدوش در اکثریت صندوق‌هایی که مخدوش اعلام شده بسیار کمتر از یک سوم بوده است (یعنی تقلب در انتخابات تا یک سوم آراء قانونی بوده و سبب مخدوش شدن صندوق نمی‌شود). ۴- "هیات نظارت شورای نگهبان بر سر همه صندوقها حضور داشته و می‌توانسته در همان روز انتخابات از تخلفات جلوگیری کند. بدین ترتیب استاندارد اصفهان کلیه دلائل ویژه‌ای را که به ابطال حوزه انتخابیه اصفهان مربوط می‌شود امری عمومی و سراسری معرفی می‌کند.

حقیقت این است که دلائل ابطال انواع تخلفاتی که ذکر شده در قانوس جمهوری اسلامی اصولاً "خلاف به حساب نمی‌آید. سوء استفاده از مقام، سوء استفاده از آراء بیسوادان، ایجاد فضای رعب و وحشت و غیره مگر نه اینکه جزء ذاتی شیوه متداول و شرعی حاکمیت این جمهوری است؟ مگر نه اینکه بر اساس ولایت فقیه، مردم همچون گوسفندانی بی‌جون و چرا باید در تبعیت امر ولی فقیه و عطف و اگر او شایسته بی‌سواد و باسواد، و هر چون و چرائی معارضه با خدا و رسول خدا بحساب آمده و پشت‌بندش، مفسد فی الارض و بعد گلوله‌ای با طاب داری؟ مگر نه اینکه یکی از ارکان اساسی هستی این جمهوری همین رعب و وحشتی است که تحتاً "سویله" همین عواملی که امروزه به "ایجاد رعب و وحشت" متهم‌اند. اعمال شده و می‌شود؟ آنچه که دلائل ابطال انتخابات پاره‌ای از حوزه‌ها شمرده شده اساساً دلائل هستی رژیم است. و جز این، آتش چنان شور است که حتی استانداری اصفهان هم می‌تواند فدای همه جاگیر بودن دلائل ابطال را بنماید. اما آنچه که در حوزه‌های باطل شد موثره است، بن بست جناح‌های درگیر در تسهیم به نسبت کردن اسلامی آراء صندوقها است. با یک جناح توان سلطه بلامنازع داشته و با کاندیدای مورد نظر سراز صندوق بیرون نیاورده و یا امکان تفاهم و سازش جناحها در تسهیم صندوق‌ها وجود نداشته و بهر حال گره‌گامی حاصل شده که به ابطال انتخابات پاره‌ای از حوزه‌ها انجامید.

گزارشات واصله از حوزه‌های انتخابیه در تمامی نقاط مالمال از همان دلائلی است که به ابطال ۱۲ حوزه انجامید. با این وجود انتخابات سایر حوزه‌ها سالم تشخیص داده شد. بعنوان مثال چند مورد از گزارشات گزارشگران سازمان از حوزه انتخابیه شهران اینچنین است: "اغلب در حوزه‌ها جوانانی ۱۴ تا ۱۵ ساله مسئولیت داشتند که کمبود رای‌دهنده را با پر کردن فرم‌ها جبران‌کنند. در شمال شهر این امر مخفیانه‌تر انجام می‌گرفت. اما در جنوب شهر با توجیه سواد نداشتن مردم، این امر علنی بود. در حوزه‌هایی این نوجوانان تا ۲۵ نفر می‌رسیدند که به گفته خودشان هر کدام تا ظهر بیی ۶۰ تا ۳۰۰ بار رای داده بودند" و با یکی از مسئولین انتخاباتی: "از صبح در حوزه‌ها پرنده‌هم پر نمی‌زد. اما ما خودمان رای دادیم. هر کدام چندده بار." بچه ۱۱

ساله‌ای با سه تعرفه می‌رسد و آنها را به صندوق می‌اندازد. یکی می‌پرد مگر می‌شود باین سن رای داد و حاجی مسئول صندوق می‌گوید او بیرون است به منشن نگاه نکنید به عقلش نگاه کنید" و "در یکی از حوزه‌ها که بعنوان بیسودی مردم، مسئولین نتدند تعرفه‌ها را برمی‌کردند، در مقابل اعتراض یکی از افراد، مسئول حوزه که حاجی است می‌گوید: اینجا که پشت صندوقها نشسته‌اند مورد اعتماد مردمند و قند و شکر و برنجشان را اینجا می‌دهند و رای را هم اینجا برایشان می‌نویسند. در اینجا دیگر قند و شکر و برنج اوزان سنجش دموکراسی اسلامی می‌شوند. با این همه تخلف، اما تخلفی در بین نبود. تخلف از چه، از کدام موازین؟ از موازین جمهوری اسلامی؟ یا از موازین دموکراسی اسلامی؟ استفاده از خیل عظیم بی‌سوادان و جاهلان و ایجاد رعب و وحشت که قانون اساسی این جمهوری است. از سرکوب خول آسای توده‌ها و نیروهای انقلابی سخن نمی‌گوئیم، اما حتی نصفه اندرون نیز بر پایه رعب و وحشت صورت گرفته و می‌گیرد. پس چرا در انتخابات صورت نگرفت؟ جریان‌ها سهم خود را در حکومت می‌طلبند. و چرا که نه؟ اما این سهم دادم تغییر سبب برخورد می‌شود و حد سهم چیست؟ تا کسب کامل قدرت برای چپاول کامل. و اینجا است که خمینی شیاد اندرز می‌دهد: "امام در دست همه شاه‌ست. شما می‌خواستید آماج (مجلس) خدمت کنید، نشد. حالا در جای دیگر خدمت می‌کنید. می‌خواستید در مجلس خدمت کنید، نشد. حالا در دولت خدمت می‌کنید، حالا در پست‌های دیگر خدمت می‌کنید." حق چپاول محفوظ است، الزامی ندارد که از پشت تریبون مجلس متحقق شود.

اما تشنج برای قبضه مردم بالاخر می‌گرفت. افشای "تخلفات" وجود اختلافها، ماهیت "آزاد" و "سالم" و "بی نظیر" انتخابات را بیشتر عریان می‌کرد. ولی اگر هر حوزه باطل شده و نشده‌ای بخواهد به "دفاع" از خود بر خاسته و به پاسخگویی ایرادات شورای نگهبان بپردازد. آنچنان که استانداری اصفهان کرد. آنگاه این افشاگرها در روند روبه‌گسترش خود تا یکجا که نخواهد رسید؟ "حدود خدا" در آزادی لکه‌دار شده و این را فقیه تشخیص می‌دهد. پس ادامه علنی‌اش را باید قیچی کرد. و خمینی قیچی می‌کند. وی به تاریخ ۲۵ اردیبهشت طی پیام شدیدالحنی به کسانی که با شایعه پراکنی و درج اعلامیه در روزنامه به تضعیف فقهای شورای نگهبان پرداخته‌اند، هشدار می‌دهد و عواقب خطرناک این اعمال را گوشزد می‌کند. تناقضات، اما، راه خود را می‌بیماید.

انتخابات، هر آنچه که بود، غفوست دموکراسی اسلامی را واضح تر نمایانید. اما بهتری را بر نیانگیند. و چرا که برانگیزاند؟ زمانی که تعفن بندند این جمهوری، هم‌چیز را سموم کرده است. و با این وجود آزادی لکه‌دار نشد. آزادی، زمانی که توده‌ها بازش بی‌یافتند، در درگاه ولایت فقیه و برای طول عمر خمینی تا انقلاب مهدی، سر بریده شد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی عبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



روز بیونیسیم: "انقلاب ایران".....

نی آوردند که شکنجه‌های هم هست. امروز این غرولندها و انتقادات به سایر جنبه‌های عملکرد رژیم نیز سرایت کرد و آقایان فهمیدند! که جهت‌گیری اقتصادی رژیم نه به سمت سوسیالیسم که به جهت امپریالیسم است و سوگرفته است. آنان که در چهره سران جنایتکار رژیم اسلامی نور ستگاری و رهبری جنش ضد امپریالیستی و بسیاری جنبه‌های "دموکراتیک" و سوسیالیستی را می‌دیدند و دگم‌های ارتجاعی رژیم را عین "رنالیم" (۱) خوانده و در وجود "امام خمینی" عزیزشان چهره گاندی را می‌دیدند و با بی‌شرمی تمام می‌گفتند مگر نمی‌بینند که "اسام خمینی" هم "پنشنیاسی" وسیع نوده‌ای دارد که شرط رهبر بودن است و هم پتانسیل ضد امپریالیستی پس ایشان رهبر مبارزات ضد امپریالیستی میهن ما هستند؟؟؟

اما واقعات به گونه‌ای دیگر سیر می‌کرد. سازمان ما از همان ابتدای با گرفتن انتساب اکثریتی‌های خائن برای نکته‌تاکید داشت که رژیم حاکم نه رژیم ضد امپریالیست است و نه خرده بورژوازی، نه دموکراتیک است و نه قادر به در پیش گرفتن راه "غیر سرمایه‌داری". این رژیم سرمایه‌داری است که جز به منافع سرمایه نمی‌اندیشد و رسالتش نجات سیستم بحران زده سرمایه‌داری ایران از ورطه نابودی است و تلاشش سد کردن راه پیشروی انقلاب. لیکن حتی تا مدت‌ها پس از دستگیری سران "حزب توده" از هم اپورتونیست‌ها کجدار و مریز و با حرفهای دوپهلوی و به عمل و به صبح زدن، از موضع گیری صریح و بی‌پرده نسبت به اوضاع کشور سر باز می‌زدند و اعمال ارتجاعی رژیم را به این "دسته و آن جناح" نسبت می‌دادند تا اینکه بالاخره آش آنقدر شور شد که خواجهاش می‌فهمید. اما فی‌البداهه نمی‌شد این همه گفته‌ها و نوشته‌ها در مورد رژیم "مترقی و ضد امپریالیست" را ماست مالی کرد و "فتوای" ضد خلقی بودن رژیم را داد. این کار می‌بایست مرحله به مرحله و گام به گام صورت گیرد تا سوالی در ذهن اعضا و هواداران این جریان‌ها ایجاد نشود که چه اتفاقی افتاد که رژیم در عرض چند روز پس از دستگیری "سران حزب" تا کمان از "سمت گیری غیر سرمایه‌داری" به راه سرمایه‌داری غلطید... و دموکراتهای خرده بورژوازی "سرکوبگران شکنجه‌گری شدند که با کمک سرویس‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا و... با استفاده از "امولهای" اعتراف "سران حزب" را به اعتراف به خیانت‌هایشان واداشتند. لذا طبق معمول سیاست "گام به گام" در پیش گرفته شد، به جهت اینکه امر تفریق ایدئولوژیکی تشکیلات و هواداران به خوبی انجام گیرد و هواداران مثل "سران" دچار "شوک" دستگیری "سران حزب توده" نشوند و تازه ادعا هم کنند که "ما از قبل پیش‌بینی کرده بودیم" که رژیم سمت سرمایه‌داری و امپریالیسم را خواهد گرفت... لیکن واقعتاً غافلگیری "سران حزب" نشان داد که این "دانشندان" و "رهبران"

عاقبت اندیش. حزب طراز نوین طبقه کارگر! زنده‌انهای قرون وسطایی در اسارت نگاه دارد و تا چه حد تحلیل‌هایشان درست و سنجیده بوده است.

این سیاست "گام به گام" هنوز به انتها نرسیده است. هنوز هم سوسیال‌خائنین وطنی در نوشته‌هایشان صحبت از خاتمه نیافتن "جهت گیری ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران" (۲) و موجودیت داشتن "نیروهای ضد امپریالیست و مردمی در حکومت" (۳) و... می‌کنند. ضمن اینکه اعلام نموده‌اند "سر پیشرفت انقلاب ایران اکنون دیگر در تمام جهات متوقف شده و سیر بازگشت خود را آغاز کرده است" (۴)

(تاکید از ماست). اما برای اینکه دست خود را تپسته بایستد چند سطر پائین تر بلافاصله با یک "سرپیل" "حلقه‌افانه" میدان را برای هرنوع ضد و نقیصه‌گویی و هرنوع "تحلیل و تفسیر" تازه و فرصت طلبانه باز می‌گذارند و می‌گویند: "سیر برگشت انقلاب نیز مانند سیر پیشرفت آن پیچیده و پرتناقض است" (۵). اینکه "سیر برگشت" اکنون یعنی در اواخر سال ۱۳۶۲ آغاز شده معلوم نیست. کدام "چرخش" یا تغییر باعث آغاز این سیر شده هم مستدل نیست. تنها گفته می‌شود "تفسیر سیاستیست گیری رهبری شورویگریست" آن بدست موضح و منافع افسار نشانز جابه عامل اصلی وطنی این تحول دردناک در اوضاع کشور است (۶). کدام مواضع جمهوری اسلامی و رهبری آن طی پنج سال پس از انقلاب تغییر کرده است؟ آیا سیاست سرکوب مردم و نیروهای انقلابی "اکنون" آغاز شده؟ آیا مستگیری به نفع فتوالبها و ملاکین و سرمایه‌داران "اکنون" آغاز شده؟ آیا گسترش روابط با امپریالیست‌ها "اکنون" آغاز شده؟ آیا سیاست ضد کمونیستی و "هیستری ضد شوروی"، "اکنون" آشکار شده؟ و آیا.....

سرکوب توده‌های انقلابی میهن ما و چراغ سبز نشان دادن به بورژوازی ایران و بورژوازی امپریالیستی "گام به گام" از ابتدای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و حتی قبل از غصب قدرت سیاسی توسط این رژیم با اعلامیه‌های خمینی سنی بر همکاری نکردن با کمونیست‌ها و در واپسین روزهای قیام بهمین آغاز شده بود و بنا بر موازنه قدرت بین صف انقلاب و ضد انقلاب حاکم اکنون آشکار شده است، آنجا که ضور انقلابی و روحیه دموکراتیک ضد امپریالیستی توده‌های قیام کننده بالا و قدرت مردم در مقابل قدرت حاکمیت شگرف و قابل توجه بود رژیم با تکیه بر توهم توده‌ها و به منظور منحرف کردن پیشروی انقلاب، خود ابتکار عمل را بدست گرفت تا آنرا به کجسراه کشانده و مانع از شمر دادن آن شود و بتدریج که طی پنج سال اخیر برآیند کشاکش انقلاب و ضد انقلاب بضع اردوی ضد انقلاب تغییر کرده است، بدیهی است که دیگر نیاز زیادی نیست که روابط با امپریالیست‌ها و حکومت‌های ارتجاعی عیان نشود. بدیهی است که جمهوری اسلامی دیگر نیازی به "شما" اپورتونیست‌ها نداشته باشد تا شوی تلوزیونی راه بیاندازد و در سایه آن هزاران انقلابی را شکجه و تهربران و دهها هزار نفر را در

زندانیهای قرون وسطایی در اسارت نگاه دارد و بگوید بسینید در کشور ما جقدر آزادی وجود دارد که ما به "کمونیست‌ها" (در واقع نوکران بورژوازی در هیئت کمونیستی) به "بحث آزاد" می‌پردازیم!! آری دیگر نمایانته از این قبیل نیازی نیست.

با این مقدمه قصد آن داریم تا یکی از اساسی‌ترین شکردهای اپورتونیسم وطنی‌مان را شکافته و خط مشی انحرافی و روبریونستی آنها را به تصویر کشیم.

اپورتونیست‌ها درمانده از درک الفبای مارکسیسم لنینیسم و درک شرایط حاکم بر کشور ما سالهاست که چرندیات ضد مارکسیستی را بنام "ثوری انقلابی" و "خط مشی کمونیستی" تحویل جنش انقلابی داده‌اند و در همه جا ناتوانی خود از درک پدیده‌های اجتماعی را به حساب "پیچیدگی" و "سیر متناقض" و ترکیب متناقض نیروهای حاکمیت و... گذاشته‌بند بازی سیاسی و سازش طبقاتی خود را با این شکردها پرده پوشی کرده و می‌کنند. وقتی ناتوان از تحلیل و درک سیاستهای سرکوبگرانه و اختناق آمیز رژیم، گشتار مردم و با بحال کردن حقوق آزاد تلوزیونی می‌دیدند، وقتی رابطه با امپریالیست‌ها را در مقابل "توده‌گویی" یا کشورهای سوسیالیستی و برخی دول انقلابی می‌دیدند وقتی سرکوب جنش انقلابی خلق کرد را با "حمایت" از برخی جنبش‌های پراکنی بخش جهان مقایسه می‌کردند، برآستی ناتوان از درک این پدیده‌های "متناقض" در روپاهای خود به دنبال خلق ستاریوسی می‌رفتند که با آن بتوان این "تناقضات" را توجیه کرد و بدیهی است که اندیشه متافیزیکی آنان این به اصطلاح تناقضات را بوجود می‌آورد متناقض مربوط می‌دانست

و این وجود متناقض و دوگانه در صحنه اجتماعی خرده بورژوازی بخت برگشته بود که هرگاه و کوزه‌ای را میشد بر سر بیچاره‌اش شکست، اگر رژیم تحت فشار جنش شمارهای توخالی و بظاهر انقلابی سیر می‌داد مربوط به "گانه" انقلابی خرده بورژوازی بود و اگر اعمال ارتجاعی حاکمیت بورژوازی کرد لاجرم "گانه" دیگر خرده بورژوازی و کنترایش برآست آن مقصر بود. اکنون هم که ستاریوسی "سر پیشرفت متناقض" (۷) انقلاب متوقف شده لاجرم تناقضات فکری اکثریتی - توده‌ای‌ها را باید به "سیر پیچیده و متناقض برگشت انقلاب" بخشید تا در تحول قطعی در آینده "کمانوری" - های جوان "و" فرخ نگهدارهای جوانتر" به راحتی بتوانند ادعا کنند که همانطور که از قبل پیش‌بینی کرده بودیم... آنها می‌که عاقبت اندیشی و "دانشمندی" این آقایان را باور نکرده‌اند الان توجه کنند که ایشان گفته‌اند که "سیر برگشت انقلاب پیچیده و متناقض است" و اگر ایشان فردای روزگار گسترش روابط مودت آمیز جمهوری اسلامی با اتحاد شوروی را جشن گرفته به مردم ایران بخواهر "مبارزه برای برقراری روابط دوستانه با اتحاد شوروی تهریکوستاندیش دنباله در صفحه ۹

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اغتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



روزپنجم: "انقلاب ایران..."
 گفتند (از جمله اینکه مثلا) جریان صدور گاز ایران به شوروی از سر گرفته شده) و اثر بهای "حیث گیری ضد امپریالیستی" (۸) حاکمیت گذاشتند مبادا فکر کنید ایشان گفته اند حکومت ایران در همان مسیری پیش می رود که امپریالیسم آمریکا از آن می طلبد.
 ما در این مقاله مقدما به یکی از این به اصطلاح تناقضات که بردوش اپورتونیست ها سنگینی می کند می پردازیم.

جمهوری اسلامی و جنبش های رهایی بخش

— تناقض اکثریت در سیاست خارجی —

"سیاست خارجی ایران هنوز در اساس سیاسی است برتناقضی، متزلزل و سردرگم، حمایت از ارتجاعی ترین سیاست های بین المللی تا حمایت از این با آن جنبش ملی دانه این نوسانات را نشان می دهد" (بولتن ۱۵ دیماه ۶۳ اکثریت) رژیم ارتجاعی خمینی همانند هر رژیم سرمایه داری در رابطه با جنبش های توده ای و مردمی در کشورهای دیگر، تنها و تنها منافع طبقاتی خویش را جستجو می کند. این اصل اساسی سیاست خارجی تمام رژیم های استثمارگر و پرتعلیب در عصر کنونی است. سوزروازی حاکم که در داخل مرزهای "خویش" دشمن شماره یک و جلاذ پرولتاریا و توده، زحمتکش است و شدیدترین مطالبه طبقاتی را پوری تحمیل می کند. بطور می تواند حامی انقلاب پرولتری و مردمی در کشور دیگری باشد؟ سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است. سوزروازی در هر حرکت اجتماعی منافع خویش را جستجو میکند. آری، سیاست خارجی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در قبال جنبش های ملی و مردمی و دول گوناگون تنها بر همین اساس قابل توضیح و تحلیل است. لیکن نکته در اینجاست که در این تحلیل بایستی هشیار بود ظاهر فریبنده و توغالی را از اعمال واقعی تمیز داد، پوشش های را بر ملا ساخت. و در نهایت باید قادر بود سیاست بازی های سوزروازی را از منافع واقعی طبقاتی آنان باز شناخت و علاوه بر آن بایستی به ایدئولوژی سوزروازی متوسط ایران در شرایط کنونی که منافع خویش را با دگم های ارتجاعی پان اسلامیتی هماهنگ ساخته و این ایدئولوژی در اساس مقاصد برتری طلبانه از نوع "تلمیحی- صبیونیستی" را دنبال می کند نیز توجه داشت. هم اکنون سوزروازی ایران ایدئولوژی به عنوان اهرمی برای کسب قدرت در منطقه با عمل به روی کار آوردن رژیم های دست نشانده اسلامی بهره می گیرد.
 این گره گاهی است که سران اپورتونیست اکثریتی - توده ای در آن کسب کرده اند (یا حیانت پشکی خود را با آن توجیه می کنند). در ذهن تاریک آنان دخالت ضد انقلابی در امور صرفا داخلی افغانستان و... در کنار

حمایت از نیکارگوشه، السالوادور، چاد و تبلیغات بر علیه صهیونیزم (۹). "تناقضات و پیچیدگی های" است که آنرا بایستی با وجود "مسلطان مبارز" (که از همه نهادهای قدرت و از تمام عرصه ها رانده و سرکوب نشده اند) (۱۰) و "نیروهای ضد امپریالیست و تزد می که در حکومت موجودیت دارند" و خز عملاتی از این قبیل تحلیل کرد. کدام نیروهای ضد امپریالیست و در کدام موضع قدرت؟ در وزارت خارجه، در سپاه و در دادستانی، در نخست وزیری و سیا در ارتش و وزارت کشور؟ این "نیروهای ضد امپریالیست" و "مسلطان مبارز" در کجا حضور و قدرت دارند؟ این است ماهیت و کنه اندیشه، انحرافی و عدم درک ماتریالیستی تحولات و پدیده های اجتماعی، این است مفهوم بساور داشتن به شعارها و عدم درک وقایع به آن نحوی که واقعا در جریانند.

حمایت از گروه های فوق ارتجاعی افغانستان تحت پوشش دفاع از اسلام یکی از باوزترین جلوه های این سیاست ارتجاعی نسبت به کشورهای همجوار است. آنجا که پای منافع سوزروازی و فتوایسم افغانستان و منافع امپریالیسم جهانی مطرح است "دفاع از اسلام" نیز مطرح است و رژیم خود را متعهد می داند که از این نیروهای ارتجاعی به هر طریق ممکن (تسلطیاتی، مالی، پرسنلی و سیاسی) حمایت کند به سرسپرده ترین گروه های افغانی در کشور ما آزادی عمل کامل اعطا کند تا تحت لوای فعالیت سیاسی "مهادین افغانی" بزرگترین باند های قاچاق مواد مخدر را در مهبان ما دایر کنند و از این راه بخشی از بودجه "تجاوزات و کشتار مردم" بدفاع افغانستان را تامین کنند و...

اما نتیجه "دفاع از جنبش های رهایی بخش به شیوه" "اسلامی" در مورد عراق هم خود بزرگترین تراژدی قرن اخیر در ایران و عراق است. از بدو روی کار آمدن رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی، سران این رژیم مدام به - ارتجاعی ترین روش ها در بی صدور به اصطلاح

"انقلاب اسلامی" به عراق بوده هستند. حمایت از گروه های امپریالیستی در عراق، نظیر بارزانی ها و گروه های مشکوک و دست نشانده اسلامی مانند "حزب الدعوه" و تشکیل به اصطلاح "مجلسن اعلاای انقلاب اسلامی عراق" از عناصر محافظه کار، مرتجع و غیره هیچ هدفی جز روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده در عراق را دنبال نمی کند.

لیکن گویا در کشورهای همجوار ایران هیچ جنبش مردمی و انقلابی دیگری وجود ندارد گویا رژیم های نظامی و مدد در صد آمریکا ای پاکستان و ترکیه، حکومت های انقلابی و مردمی هستند. چرا برای یکبار هم که شده ساله دفاع از حقوق "اسلامی" و "انسانی" در ترکیه و پاکستان مطرح نمی شود؟ مگر همین روزنامه های وابسته به رژیم هر چند گاه اخباری (البته بدون هیچگونه تفسیر و تحلیلی) از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندانهای نظامی ترکیه و اخبار حرکات اعتراضی مردم پاکستان منتشر نمی سازند؟

اما وظیفه "اسلامی" رژیم در اینجا حکم می کند که از گروه های حتی اسلامی - ارتجاعی دفاع کند. حمایت کردن از گروه های انقلابی که حامی خود دارد. اینجا پای منافع عظیم اقتصادی و سیاسی در میان است. مساله این است که غارت بخشی از سرمایه های ملی ایران در شرایط کنونی بایستی با وساطت این "برادران انجام شود. مساله بقای جمهوری "خودکفای اسلامی مطرح است که اگر فقط چند صاخی در روابط اقتصادی با ترکیه و پاکستان اختلال ایجاد نمود اوضاع جمهوری به هم می ریزد.

دو سه سال پیش زمانی که ضیاء الحقی خیانت کار برای دیدار با سی صدر خاش سه ایران سفر کرده بود، روزنامه جمهوری اسلامی به سردسیری موسوی نخست وزیر با تتر "صبا الباطل" از وی استقبال کرد. اما امروز گویا (وقتی که سی صدر ساقط شده) "صبا الباطل" دیگر "الباطل" نیست و ضیاء الحقی شده است. این عین منفعت طلبی سوزروازی حاکم است. البته این کار دو "حسن" داشت از یکطرف در افکار مردم با افشای یک زسرال امریکایی کت وجهه کرده و خوراک خوبی برای اپورتونیستها فراهم می ساخت. از طرف دیگر "سی صدر" را که از وی استقبال کرده بود زیر سوال می برد. علاوه بر این کار هیچ ضرری هم برای "حسرب جمهوری" در سر نداشت و اگر امروز همین آقایان با همان زسرال امریکایی "ضیاء الباطل" دم از دوستی و برادری می زدند نه مخاطران است که از مواضع گذشته عدول کرده اند بلکه بدان لحاظ است که امروز سیاست اینطور اقتصادی کند و آن روز هم در شرایط کشاکش حاد جناح های درونی حاکمیت منظور.

امروز مساله این است که پیمان نظامی - سیاسی سنتی بایستی مجددا "تحت لوای اسلام با همان اهداف فنی و ارحله دور کردن "خطر کمونیزم" احیا شود. رفسنحانی جاسوسکار سمل اپورتونیست ها در بدار باوز بر امور خارجه ترکیه آشکارا همین هدف را بیان می کند. ولی میگوید "هم اکنون دو مشکل مهم منطقه افغانستان و حزب بعث عراق است - اگر این مشکل حل شود کشورهای عربی و ماوشما و پاکستان می توانیم همکاری های سازنده تری را برای منطقه دانسته باشیم. همچنین حسن دیگر آن این است که اگر یک حکومت اسلامی در عراق بوجود میاید خطر کمونیزم از منطقه دور خواهد شد" (کیهان شنبه ۲۰ اسفند) آیا این "همکاری" چیزی غیر از احیای پیمان صد انقلابی - امپریالیستی سنتی (وابسته به پیمان ناتو) در جهت سرکوشی جنبش های انقلابی منطقه است.

روی دیگر نمایشات عوام فریبانه رژیم، دفاع قلابی از جنبش های انقلابی نظیر السالوادور و نیکارگوشه است. مختصری توجه به تفاوت های کفی این پشنیاتی های فریبکارانه و صرفا لفظی با اعمال جمهوری اسلامی ایران در مورد گروه های ارتجاعی افغانستان و عراق و لبنان، دست رژیم را رو می کند. رفسنحانی حناستکار در سداز باوز زیر امور خارجه ترکیه صحت از دور کردن خطر دنباله در صفحه ۱۰

پیوستن بسوزی تشکییل حزب طبنته ناکسر



رویزویونیم: "انقلاب ایران"

کومینژم" می کند، اما در جای دیگر مزورانه از دوستی با انقلابیون السالوادور و نیکاراگوئه (که عمدتاً "کومینست های انقلابی هستند) دم می زند. نیکار بردن این شوه های رذیلته صرفاً به منظور فریب افکار عمومی و کسب وجهه مردمی با توسل به اعتبار عظیم این جنبش های انقلابی در سطح ملی و بین المللی صورت می گیرد که خوشبختانه آنقدر این نیرنگ ها شناخته شده و منضج است که هیچگاه نمی تواند مردم ما و افکار عمومی مردم مترقی جهان را بفریبد و به همین دلیل است که رژیم روز به روز در نزد مردم آگاه ایران و جهان بیشتر از پیش منزوی و رسوا می شود. رژیم جنایتکاری که حتی از بردن نسام گروه های مبارز و انقلابیون کومینست در قبلی- بین و تایلند و عراق و پاکستان و ترکیه و ... وحشت دارد و حتی متن گزارش های خبری را در پو و تلویزیون و مطبوعات را سانسور و تحریف می کند که گویی هیچ گروه مبارز و کومینستی در این کشورها وجود ندارد الا گروه های با اصطلاح اسلامی، با چه وقاحتی صحبت از دوستی با انقلابیون کومینست السالوادور و نیکاراگوئه می نماید. رژیمی که از بزرگترین دشمنان انقلابیون کومینست، این پیگیرترین مدافعان کارگران و دهقانان و زحمتکشان و رزمندگان استوار آزادی و سوسیالیزم در داخل کشور و ملل همپوار است، نمی تواند دوست واقعی جنبش انقلابی مردم السالوادور و نیکاراگوئه در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای ایران باشد.

- این سیاست فریبی پیش نیست و نیروهای آگاه این حقیقت را برملا ساخته و بازم در تمامی اشکالی که بروز کند آنها انشاء خواهند ساخت، آری اگر رژیم اسلامی از انقلابیون کشوری دفاع کند (آنهم در حرف!) که بود و نبودش فرقی به حال رژیم رو به سرگ خمینی نداشته باشد، کوچکترین ضرری متوجه منافع خود نمی خواهد کرد. اینها نمونه های بود از عملکرد سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی. اگر با همین دید - تحلیل قضا با پراساس منافع اقتصادی- سیاسی پوزر و آزادی ایران و شمع و اقصیات از شمارهای تو خالی - به سایر جنبه های سیاست خارجی رژیم و روابط آن با ملل دیگر بنگریم و فریب های پوهی تبلیغاتی و پوزرگشایی های دغل کارانه را بخوریم دیگر "تلافی" در بین نخواهد بود. در عمق تبلیغات پر علیه سوسیالیزم همان منافع و اهدافی خوابیده است که در حمایت از مرتجعین افغانستان تجلی می یابد. عظمت طلبی پوزر و آزادی متوسط ایران (در وجه غالب تجاری) به اضافه: پان-اسلامیسم ارتجاعی بعنوان ایدئولوژی، چیزی جز آنچه که مشهود است نیز نمی تواند به بار آورد. اما رویزویونیت ها همواره چشمان خود را بر واقعیات می بندند و از این رهگذر تلاش دارند تا سازش خود را با پوزر و آزادی توچه کنند.
- ۱- معاشرت تلویزیونی خائنین توده های - اکثریتی
 - ۲-۳- بولتن اکثریت - آبان ۶۲
 - ۴- انقلاب ایران در راه بازگشت - اکثریت
 - ۵- عب همانجا
 - ۶- انقلاب ایران در راه بازگشت - اکثریت
 - ۸- بولتن آبان ۶۲ اکثریت
 - ۹- انقلاب ایران در راه بازگشت - اکثریت
 - ۱۰- بولتن ۱۰ آبان ۶۲ - اکثریت

تلاشی "شورای ملی مقاومت" ...

سازش با جناح دیگر پوزر و آزادی یعنی لیبرال ها را در پیش گرفتند، با این تفاوت که هنوز در آن زمان تعداد زیادی از توده های مردم نمی-توانستند ماهیت اعمال و سیاست های سازشکارانه رهبران سازمان مجاهدین خلق را درک کنند. اما امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از سازش رهبران مجاهدین خلق با پوزر و آزادی لیبرال، بسیاری از حقایق آشکار شده و ماهیت اعمال و رفتار و سیاست های سازشکارانه آنها برملا گشته است.

انقلاب پسرمت توده ها را آموزش میدهد، توهمات را زایل می سازد. ماهیت ارتجاعی خط مشی های رفرمیستی و سازشکارانه را برملا می کند و صحت و عقابیت لخط و منی انقلابی پروولتاریائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که پرچم مخالفت با شورای ملی مقاومت را برافراشت، پیگیرانه ماهیت این ارگان و برنامه پوزر و آزادی رفرمیستی آنها افشاء نمود و سیاست درهم شکستن آنها که سدی بر سر راه انقلاب ایران محسوب می شود در پیش گرفت، نشان داد.

امروز دیگر تردیدی باقی نمانده است که "شورای ملی مقاومت" با کلیت برنامه و تاکتیک آن با شکست روبرو شده است. خروج پنی صدر از "شورای ملی مقاومت" که خبر آن انتشار یافت، خود بارزترین تجلی شکست و فروپاشی "شورای ملی مقاومت" و اضمحلال قطعی آن محسوب می گردد.

از مدت ها پیش روشن بود که پس از شکستهای مداوم این ارگان و برملا شدن ناتوانی آن در تصرف قدرت سیاسی، "شورای ملی مقاومت" با فروپاشی قریب الوقوع روبرو خواهد شد.

خروج پنی صدر از "شورا"، در حقیقت، اعلان شکست برنامه و سیاست های این ارگان و فروپاشی قطعی آن است. تردیدی نیست که رهبران سازشکار مجاهدین خلق که طی مدت نزدیک به سه سال، گام به گام در منجیلاب لیبرالسم سقوط کرده اند و لطعات جبران-ناپذیری به انقلاب ایران وارد آورده اند، باز هم تلاش خواهند کرد تا شاید این موجود منحصر را که حاصل سازش و بند و بست آنها با پوزر و آزادی است حفظ کنند و حتی از طریق با اصطلاح چپ هاشی که ممکن است بر خود نام مارکسیست نیز گذاشته باشند. اما جولیبرالهای وامانده و بی مقدار چیز دیگری نمیتند. برای خود وجهه ای کسب کنند و شکست سیاست های سازشکارانه خود را پرده پوشی نمایند. اما انقلاب، ماهیت تمام اعمال و رفتار آنها را فاش و برملا نموده است. تاریخ دست پر سپه آنها زده است و دیگر توده های مردم هرگز به آنها اجازه نخواهند داد که بنام انقلاب و خلق، علیه انقلاب و خلق گام بردارند.

رشد تشاد های درونی "شورای ملی مقاومت"، کناره گیری پنی صدر از "شورا" و طلبیه های فروپاشی قطعی آن، یکبار دیگر این حقیقت مسلم را به اثبات رسانید که در شرایط کنونی، هرگونه راه حل های سنا بسنی، سازش-کارانه و رفرمیستی با شکست قطعی روبرو است. با ضد انقلاب متمرکز، با قطعیت انقلاب، با

فاطمیت پروولتاری یا قاطمیت ضد انقلابی پوزر و آزادی. این است راهی که در برابر انقلاب ایران قرار دارد.

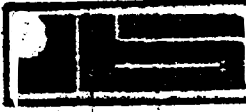
شکست "شورای ملی مقاومت" مناسبه یک آلترناتیو، قطعی است. تنها یک آلترناتیو آسهم آلترناتیو پروولتاری قادر است نجات بخش انقلاب و فاسمن پیروزی قطعی آن باشد. هر نیروئی که بخواهد نام انقلابی و دموکرات برخوردار بگذارد، باید به رهبری طبقه کارگر در انقلاب، تمکین کند و برنامه حداقل پروولتاریا را در انقلاب دموکراتیک بپذیرد. اگر اندک راه نجاتی نیز برای سازمان مجاهدین خلق وجود داشته باشد، گسست قطعی از پوزر و آزادی، دست برداشتن از خصومت و دشمنی با طبقه کارگر ایران و مظهر آگاه این طبقه یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بذورش برنامه حداقل پروولتاریا در انقلاب دموکراتیک ایران است. چه از این هیچ راه نجاتی برای آنها وجود نخواهد داشت.

خطاب به هواداران

رفقا! همچنان که خود همیشه شاهد جو خفقان و سرکوب حاکم برجاسته هستید بدیهی است که ارتباط مستقیم تشکیلاتی با همه هواداران و گسترش بی رویه تشکیلات ضربه بدیری آنرا بسیار افزایش می دهد. به همین جهت نباید بشیرد وظایف انقلابی خود را در این مقطع حتماً موزکول به ایجاد رابطه مستقیم با تشکیلات نمائید. یکی از وظایف مردم شما در شرایط کنونی تبلیغ برنامه عمل و طرح آلترناتیو انقلابی می باشد. اکنون که توده ها سرعت از رژیم جنایتکار حاکم بریده و به مبارزه انقلابی رگمی آورند ضرورت سازماندهی توده ها حول برنامه عمل انقلابی سازمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شما در هر کجا که هستید می توانید حول خواستهای مطرح شده در برنامه عمل و ترویج آن کمیته های مخفی اعتصاب و مقاومت را سازمان دهید و توده ها را به منافع طبقاتیشان آگاه سازید.

یکی از وظایف شما در شرایط کنونی گوش کردن به برنامه های رادیکالی و ضبط اعلامیه ها و سپس پنا ده کردن و تکثیر آنها است که می توانید با پلی کپی دستی (که قبلاً در سلسله مقالات خطاب به مبلغین نحوه استفاده از آن آموزش داده شده است) و با دست نویس این اسرار را به انجام رسانید. همچنین متن های کوتاهی که حاوی خواستهای کارگران و زحمتکشان مندرج در برنامه عمل بوده و برای تهیه تراکت بسیار مناسب است از رادیو ضبط کرده و سپس تکثیر و پخش نمائید. همچنین می توانید از طریق نوشتن شعارهای سازمان بر روی پرچم های کوچک و سپس چسباندن آنها در اماکن مناسب و با وسایل نقلیه عمومی و همچنین نوشتن ساعات پخش رادیو بر روی پرچم ها و نصب آن در نقاط در معرض دید توده ها (با رعایت مسائل امنیتی) وظایف تبلیغی خود را در این مقطع به انجام رسانید.

موفق و پیروز باشید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیام رادیویی سازمان...

بیکار در فقر و محرومیت کامل بسر می‌برند. آرزای ما محتاج روزمره توده‌های مردم نایاب شده است. قیمت کالاها همچنان روز به روز در حال افزایش است. کارگران ایران که با بیکاری روز افزون و مزدهای ناچیز در بدترین شرایط ممکن بسر می‌برند بیش از همه طبقات و اقشار جامعه، سنگینی بار هزینه‌های طاقت‌فرسای زندگی را بردوش خود احساس می‌کنند. اما رژیم جمهوری اسلامی نه تنها حتی یک گام ناچیز در جهت تخفیف فقر و فلاکت عمومی برنداشته، بلکه بالعکس، با ادامه یک جنگ ارتجاعی، به اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی دامن زده و مصائب و فطاریهای جنگ را نیز بر سران افزوده است. توده‌های مردم ایران خواستار کار، نان، صلح، دموکراسی و رفاه اجتماعی اند. اما رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، شعار جنگ جنگ تا پیروزی را پیشه خود ساخته است. چند صد هزار تن از جوانان زحمتکشان ایران در میدان‌های جنگ گشته و زخمی شده‌اند. میلیون‌ها تن خانه و کاشانه خود را از دست داده، آواره و در بدر شهرهای دیگر شده‌اند. مملکت به بیروانه‌ای تبدیل شده است. اما رژیم همچنان دیوانه‌وار به جنگ ادامه می‌دهد. چرا جنگ؟ جنگ برای چیست؟ پاسخ روشن است، برای اینکه جیب سرمایه‌داران هر چه بیشتر پر شود، برای اینکه صنایع تسلیحاتی امپریالیستهای غارتگر رونق خود را حفظ کنند. برای اینکه به پنهان جنگ، هرگونه صدای اعتراض مردم را در گلو خفه کنند. به سرکوب توده‌ها بپردازند و اختناق را برقرار کنند. برای اینکه توجه مردم را از اوضاع فلاکت‌بار موجود منحرف سازند، برای اینکه جاه‌طلبی‌های فرصت‌طلبانه خود را ارضاء کنند. توده‌های مردم ایران که هیچ منافعی از این جنگ ندارند خواهان پایان یافتن این جنگ ارتجاعی اند. آنها خواهان صلح، رفاه، آرامش و آزادی هستند.

اما رژیم این درخواست‌های مردم را با کشتار و اعدامهای دسته‌جمعی و شکنجه و بیهوش کردن دهها هزار تن از مدافعین آرمان طبقه کارگر و انقلابیون دیگر پاسخ داده است.

با این وجود موج اعتراض توده‌های مردم بویژه اعتراضات طبقه کارگر، مداوم افزایش یافته است و علیرغم تمام ددمنشی‌های رژیم روحیه مقاومت، استادگی، امراض و سازو توده‌ها همچنان بالاست که حتی تحسین و اعجاب مردم سراسر جهان را برانگیخته است.

تردید نیست که رژیم با اینصورت مصائبی که بدبار آورده و اعمال جنایتکارانه‌ای که مرتکب شده است لحظه لحظه قطعی سقوط خود را نزدیک نموده است. هرچند هنوز لحظه قیام سراسری توده‌های مردم فرا نرسیده است اما شرایط به سرعت برای سرنگونی فوری رژیم فراهم میشود و طبقه کارگر این طبقه پیشرو جامعه که اساس جفاخیز برانداختن نظام استعمارانه سرمایه‌داری و استعمار جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند، تنها طبقه‌ای است که قادر است در مرحله کنونی انقلاب، توده وسیع مردم را رهبری کند و انقلاب را به سرانجام ببرد و منافع آن را برساند.

طبقه کارگر ایران از هم اکنون ناسند با مادیکی نام و نام، استکار عمل را در دست خرد و اجازه ندهد که هیچ نیروی غیرکارگری

بر موج جنبش انقلابی توده‌ها سوار شود و بار دیگر انقلاب را به کجراه بکشد. چرا که از هم اکنون سرمایه‌داری که خطر را احساس کرده‌اند، به تکاپو افتاده تا مبادا با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کارگران و زحمتکشان ایران قدرت سیاسی را بدست گیرند. امروز سه نیرو برای در دست گرفتن قدرت علیه رژیم جمهوری اسلامی صف‌آرایی کرده‌اند. گروهی بنام سلطنت طلب که ماهیت ضدکارگری و ضد خلقی آنان بر هیچکس پوشیده نیست و نوکران حلقه به گروش امپریالیزم محسوب می‌گردند، خواهان احیای نظام تنگین سلطنتی و تداوم سنم بر توده‌ها هستند. گروهی دیگر که در "شورای ملی مقاومت" گرد آمده‌اند، نه تنها بنابه ماهیت طبقاتیشان خواستار حفظ و بقای نظام سرمایه‌داری هستند، بلکه از بدبیش یک دموکراسی واقعی نیز دریاز می‌رند. آزاد بخوای اینان دروغین است و در نهایت خواستار اصلاحاتی ناچیز در نظام اجتماعی موجود است. یگانه آلترناتیو دیگر سر انقلابی، آلترناتیو کارگری است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مدافع بیگسرتان محسوب می‌گردد و در مرحله کنونی انقلاب خواهان برافتادن رژیم جمهوری اسلامی و سرقراری یک نظام حقیقتاً "دموکراتیک یعنی جمهوری دموکراتیک خلق است."

در این جمهوری توده‌های مردم مسلح تحت رهبری طبقه کارگر از طریق شوراهای خود اعمال حاکمیت می‌کنند. در جمهوری دموکراتیک خلق، آزادی اجتماع، آزادی مطبوعات، آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی و صنفی حق متشکل و اعتصاب و دیگر حقوق دموکراتیک توده‌های مردم تأمین خواهد شد و در این جمهوری، اقدامات عملی کفایت در جهت برانداختن سلطه امپریالیزم به مرحله اجرا در خواهد آمد. سرمایه‌های بزرگ متعلق به سرمایه داران داخلی و انحصارات امپریالیستی، بلادرتنگ مصادره و ملی خواهد شد. بازرگانی خارجی ملی اعلام می‌شود. کلیه قراردادهای اسارت‌بار امپریالیستی ملغی می‌گردد و کنترل شوراهای کارگری در کلیه موسسات تولیدی به مرحله اجرا در خواهد آمد. در جمهوری دموکراتیک خلق درخواستهای فوری مختص کارگران از جمله خواست ۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته، یکماه مرخصی سالانه با کلیه حقوق، بفرهویت عملی می‌گردد. در جمهوری دموکراتیک خلق، املاک و وسائل تولید زمین داران بزرگ مصادره خواهد شد و در اختیار دهقانان متشکل شده در شوراهای اتحادیه‌های دهقانی قرار خواهد گرفت. بدهی‌های دهقانان به سرمایه‌داران و زمین داران و بانک‌ها ملغی می‌گردد. تنها آلترناتیو کارگری است که از منافع و درخواستهای انقلابی عموم توده‌های مردم دفاع می‌کند. کارگران ایران، تبدیل انقلابی خود را در برابر تمام جریانات بورژوازی قرار داده‌اند. پرچم مستقل خود را برافراشته‌اند و بدون تردید در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیگرو می‌کنند.

رفقای کارگر!

اول ماه مه لحظه مناسبی برای شرکت مستقل کارگران ایران و قدرت‌نمایی اردوی عظیم کار در پراپر رژیم ارتجاعی پاسدار نظام سرمایه

داری حاکم بر ایران است. همانند تمام کارگران سراسر جهان، این روز را با تظاهرات و نمایش‌های خیابانی جشن بگیرید. محلات کارگری را به مراکز جشن و سرور و تظاهرات تبدیل کنید تا اول ماه مه امسال، نطفه حرکت نوینی در جنبش کارگری ایران در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد. کارگران ایران باید به مناسبت طبقه پیشرو جامعه، صفوف خود را مستحکم‌تر کنند و با تشکیل در کمیته‌های مخفی اعتصاب، برای برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه آماده شوند.

کارگران آگاه! رفقای هرزدار!

مبارزه تعیین کننده فریب‌الوقوع، ایجاد می‌کند که بر تلاش‌های خود برای سازماندهی، آگاهی و رهبری مبارزات کارگران پیروز شوید.

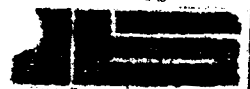
فعالان در سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران در اول ماه مه شرکت کنید. لازم به پیروزی قطعی انقلاب و تحقق شعار رهائی، دموکراسی و سوسیالیسم، سازماندهی و آگاهی کارگران ایران است. هسته‌های کارگری را در کلیه مراکز صنعتی گسترش دهید. در سازماندهی کمیته‌های مخفی اعتصاب تلاش ورزید.

کارگران ایران را بنام یک طبقه، حول برنامه و اهداف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متشکل کنید.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران زنده باد سوسیالیسم مرگ بر سرمایه‌داران سرنگون رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق نابود باد امپریالیسم جهانی سرکودگی امپریالیزم آمریکا و پایگاه داخلی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اردیبهشت ماه ۱۳۶۳.

توضیح و بوزش

- ۱- صفحه ۲۰ ستون ۳ شکست انتخابات فرمایشی سطر ۱۵ ادامه‌اش چنین است... بار دیگر در نمایش رژیم شرکت کنند و رژیم علیرغم تلاش خود...
- ۲- در مقاله مربوط به بررسی اشکال مبارزات... در صفحه ۴ ستون ۲ سطر ۸ کار ۱۷۹ نوشته شده که دوره افشاکری سیاسی سبزی شده است باید توضیح دهیم که این بدان مفهوم نیست که نباید کار افشاکرانه انجام داد بلکه منظور اینست که محور فعالیت‌های ما را افشاکری تشکیل نمی‌دهد بلکه سازماندهی در باس وظایف و محور فعالیت‌های ما قرار دارد.
- ۳- در کار ۱۷۸ در مقاله قانون کار ص ۴ در رابطه با کار زنسان شیرده تا دو سال، ساعات کار ۳۰ ساعت نوشته شده که اشتباه است و همان ۴۰ ساعت می‌باشد.



پیام رادیوئی سازمان

بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی جهانی کارگران فرا میزند. روزی که کارگران سراسر جهان بیداری و آگاهی و وحدت مبارزاتی شان را علیه نظام سرمایه داری و دفاع از سوسیالیسم جشن می گیرند. در این روز کارگران سراسر جهان چون تنی واحد، عزم و اراده استوار خود را به مداوم نبرد برای رهایی کار از چنگ سرمایه اعلام می دارند. نبردی که در یک سوی آن سرمایه - داران قرار دارند که مالک کارخانه ها و ابزار و وسائل تولیدند و با استثمار کارگران، تروتهای افسانه ای می اندوزند و در رفاه و نواز و نعمت سر می برند و در سوی دیگر این نبرد، کارگران فرار دارند که تولید کنندگان تروتهای جنایاتی اند. اما ثمرات دستخوش آنها را سرمایه داران تصاحب می کنند، استثمار می شوند و در فقر و محرومیت سر می برند. کارگران، خواهان برافتادن نظام سرمایه داری یعنی نظام مبتنی بر استثمار، فقر و محرومیت و تبدیل شدن به انسانهای آزاد و سوسیالیستی یعنی حاشه بدون طبقات که در آن هرگونه ظلم و ستم، استثمار، فقر و محرومیت برافتاده باشد. انسانها در رفاه و خوشبختی بسر برند و آزادی واقعی انسان تامین گردد. کارگران ایران نیز که همچون یک گردان از ارتش جهانی کارگران در راه تحقق این هدف بزرگ گام بر می دارند، در روز اول ماه مه به ستاره سبزی و همبستگی مبارزاتی خود با تمامی کارگران سراسر جهان، این روز تاریخی را جشن

می گیرند و به سرمایه داران جهانی علی العموم طبقه سرمایه دار ایران بطور خاص نشان میدهند که در راه برانداختن نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی، مصمم و استوارند. همین عزم و اراده استوار کارگران ایران بود که در اول ماه مه سال گذشته، رژیم ارتجاعی حاکم سر ایران را واداشت تا سرسایه و هراسناک، یک روز پیش از اول ماه مه، این روز را تعطیل اعلام کند و نمایش فرمایشی خود را با عیبها و عهودی از مزدوران پاندار و انجمن اسلامی برآوردند. اما کارگران ایران اکنون آنقدر آگاهی یافته اند که در نمایشهای فرمایشی رژیم پاسدار سرمایه داری شرکت نکنند، با خودداری از شرکت در این راهپیمایی، منت محکم دیگری بر دهان ارتجاع حاکم کوبیدند و نعرتهای شان را از این رژیم برآوردند. اما کارگران ایران در حالی به استقبال روز اول ماه مه می شایند که هنوز رژیم بخایت ارتجاعی جمهوری اسلامی بر ایران حاکم است. رژیمی که طی مدت ۵ سال موجودیت ننگینش آنچنان فجایع و مصائب اجتماعی بیبار آورده است که تصورش هم حتی برای بسیاری از توده های مردم سراسر جهان دشوار است. نابسامانی اوضاع اقتصادی، بیکاری و فقر و فلاکت عمومی جدی رسیده است که در کمتر کشوری می توان نظیر آنرا پیدا کرد. میلیون ها کارگر

اطلاعیه کمیته خارج از کشور

هموطنان مبارز! رفقای هوادار نزدیک به سه سال است که رژیم جمهوری اسلامی ایران بطور سبانه و همه جانبه ای تلاشی کردن سازمان های انقلابی را در دستور کار قرار داده است. طی این مدت دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلق توسط حکومت جهل و جنایت جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند و دهها هزار تن دیگر نیز در شرایط بسیار بدی در اسارت رژیم جمهوری اسلامی بسر می برند. سازمانهای انقلابی نیز طی این دوره با ادامه همکاری همزمانانه علیه رژیم، علاوه بر تحمل ضربات سنگین تشکیلاتی بخش عمده ای از امکانات مالی و اداری خود را از دست داده اند.

همانگونه که آگاهید سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز با پشت سر گذاردن یک دوره سخت و با تحمل ضربات سنگین، هم اکنون در ادامه فعالیتهای گسترده و بازسازی و سازماندهی تشکیلات در سراسر ایران، وظایف سنگینی به عهده دارد. در چهارچوب چنین سیاستی و بمنظور ترمیم بخشهای آسیب دیده تشکیلات بویژه تامین نیازهای تکنیکی، تهیه کمکهای مالی شما نیاز داریم. به هر ترتیب ممکن با جمع آوری و رساندن کمکهای مالی خود، سازمان را در جهت اهداف انقلابی یاری رسانید. محنت اطلاع، وجوه جمع آوری شده را می توانید به آدرس پانکی زیر واریز نمائید و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام صاحب حساب: A.A.H.
شماره حساب: 739066F
نام بانک: CREDIT LYONNAIS
آدرس بانک: 134, Boulevard VOLTAIRE 75011 PARIS

آدرس: A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE

ضمناً رفقای هواداری که با سازمان ارتباط دارند نیز کماکان کمکهای مالی خود را از کانال تشکیلاتی ارسال نمایند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کمیته خارج از کشور



یادداشت های سیاسی

اندسته که شرکت کردند بجای توشن اساسی تعیین شده از سوی رژیم فتن نثار سردمداران رژیم کردند. این تنها موسوی اردبیلی نیست که در بافته است تنها با اعمال زور و در سایه سرسبزه نمی توان حکومت کرد. این راه همه جنایتکاران حاکم خوب می دانند. اما در همین حال اینرا نیز می دانند که اگر کوچکترین هفت زخمی نمایند مردم حتی بیکروز آنان را زنده نخواهند گذاشت. اما این را نمی دانند یا نمی خواهند بدانند که سرکوب و کشتار برای مدت کوتاهی می تواند بر مبارزات توده های مبارز برسد. اما هیچگاه و برای همیشه قادر به سرکوب و انقلاب نیست. تنها موجب می گردد که انقلاب در قفق پیش رود. منظور است سرمایه داری که می گویند. موقتا می توان بر سر سبزه تکیه کرد اما این لغت بوده است سرزمین تجلی آشکار یافت و این امر با عدم شرکت مردم همراه بود و با بارها به اثبات رسانده است.

رژیم از پای می افتد... ما نمی توانیم شمشیر روی سر مردم بکنیم و با ایجاد رعب و وحشت نمی توانیم کار کنیم و اگر ما مردم را به حال خودشان بگذاریم در حق ما آن کار را خواهند کرد که در حق آنها کرده ایم... ما به مردم نمی توانیم زور بگوئیم. ما به مردم نمی توانیم بگوئیم که صداقت را در نیآور اگر صداقت را در آوردی شلاق میزنیم زندانی می کنیم. اینکار در شان حکومت های جبار است... (کیهان ۵ اردیبهشت ۱۳۶۳) این سخنان موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور رژیم در جمع روحانیون و ائمه جمعه و حکام شرع آذربایجان است و تنها یک هفته پس از برگزاری انتخابات کذافی "جمعی شورای اسلامی" گفته شده است انتخاباتی که در آن خشم و نفرت بوده است نسبت به رژیم تجلی آشکار یافت و این امر با عدم شرکت مردم همراه بود و با بارها به اثبات رسانده است.

خطاب به هواداران

در صفحه ۱۰

سرنوگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

علیه رژیم، بر ضد جنگ

رشت: در حالی که رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند که از ناآگاهترین نیروهای جامعه برای اعزام به حبهه‌وار همگونه شگرد و ترفند استفاده کند، در جهت اعزام جبهه‌های حبهه‌های جنگ، مادران و خانواده‌های بچه‌ها در رشت در خیابان هشتادجمع و راهپیمایی می کنند و بر علیه سیاست های جنگ افروزان رژیم شعار می دهند که در این رابطه عوامل رژیم در مقابل با آنها بر می آیند. مادران فدائیکارانه ایستادگی می کنند و مزدوران رژیم به طرف آنها شلیک می کنند. در این رابطه عده‌ای از مادران دستگیر و عده‌ای زخمی می شوند.

حرم آباد: بعد از حمله موشکی عراق به شهرهای مختلف ایران از جمله حرم آباد، مردم به عنوان مختلف دست به اعتراض و مقابله با رژیم و عوامل خود فروخته‌اش زدند. دولت بعد از تخریب منازل مردم توسط موشکهای عراقی طبق معمول عده‌ای جیره‌خوار در محله‌های منهدم شده حاضر شده و شمارهای ارتجایی "جنگ جنگ تا پیروزی" را سر می دهند که در دو مورد به درگیری مردم با عوامل حزب الهی منتهی شده که در این رابطه عوامل حزب الهی کتک مفصلی نوش جان کرده‌اند. همچنین در مراسم یادبود شهدای این حمله موشکی، عده‌ای از عوامل حکومتی از جمله وزیر ارشاد اسلامی، دنباله در صفحه ۴



چشم گارگری

شکایت گری را به رویاه بردن
- کارخانه ایران ناسیونال - در اوایل اردیبهشت، هیات اقتصادی ترکیه به اتفاق وزیر صنایع جهت بازدید به کارخانه ایران ناسیونال می روند. کارگران در ضمن توضیح نحوه کار ماشینها، کم کم بطور خود بخودی بدور هیات جمع شده و مسائل و مشکلات خود را به فارسی و ترکی به آنان می گویند. از جمله به مساله کمی دستبردگرای سرسام آور کالاها اشاره کرده و می گویند. در حالیکه سبب زمینگی کیلوئی ۲۵ - ۳۰ تومان و گوشت کیلوئی ۱۰۰ تومان به بالاست، دولت تنها سالی ۶ تومان به حقوق ما اضافه کرده است. پاسدارهاو انجمن اسلامی چی ها کارگران را از هیات دور کرده و سپس حدود ۱۰ نفر از کارگران را بازداشت می کنند که از سرنوشت آنان تاکنون (۱۶ اردیبهشت) اطلاعی در دست نیست. توضیح اینکه شرایط طاقت فرسای زندگی آنچنان عرصه را بر کارگران تنگ کرده که شکایت به هر کسی بردن ظاهراً امری عادی شده است. لیکن کارگران پیشرو وظیفه دارند که ناراحتی های کارگران را سمت و سو داده و از حرکتی که فقط موجب لطمه خوردن خود کارگران شده بدون آنکه دستاوردی داشته باشد، در حد توان و نفوذ خود معانت نمایند. بعنوان مثال افتخاری کارگران در نزد خبرنگاران و با ... که از برد تبلیغی برخوردار است می تواند مفید باشد. لیکن شکایت به سرمایه داران ترک که برای عقد قرارداد چپاول به ایران آمده‌اند نظیر شکایت گری بیش رویاه بردن است. کارگران پیشرو وظیفه دارند که ماهیت اینگونه بازدیدکنندگان و علت بازدیدها و ماهیت روابط رژیم جمهوری اسلامی با این سرمایه داران را نزد کارگران افشاء کنند. دنباله از صفحه ۲

گوشه‌ای از جنایات مزدوران رژیم

هولناک به پاسدار جنایتکار حمله کرده و او را شدت کتک می زنند. بلافاصله کمیته سر می رسد ولی نمی توانند همقطار جنایتکارشان را از دست مردم دریابورند که متوسل به تیراندازی هوایی می شوند و لاشه پاسدار را که بشدت مجروح شده بود با ماشین از محل دور می کنند. مردم در اعتراض به این جنایت پاسداران دست به دنباله از صفحه ۲

جالوس - روز چهارشنبه ۱۳۴۳/۲/۱۲ یک پاسدار مرتجع بر اثر جروح با عده‌ای از جوانان که سرگرم بازی والیبال بوده‌اند بدون مقدمه ناگهان از اسلحه خود استفاده کرده و ناشلیک یک گلوله جوانی نام محمود خوشترکدار را به شهادت می رساند. اس جوان تازه از حبهه برگشته و مجروح جنگی هم بوده است. * مردم با مشاهده این جنایات

افشاگرهای هواداران سازمان در سراسر جهان علیه سرکوب، شکنجه و کشتار در ایران

سیم سالت سفارت ایران در هلند را به تسخیر خود در آورند. دانشجو یان مذکور یوسترها و شعارها و پلاکاردهائی مبنی بر افتخار و شکجه در ایران بردن و دیوار سفارت نصب کردند و تصاویر خمینی جنایتکار را از در و دیوارها پائین کشیده و آرم سازمان و تصاویر شهدای حبش انقلابی را بجای آن قرار دادند. مزدوری نام حسین تاجگردان با سمت سفیر خمینی که سرگردگی حاسوسان رژیم را در سفارتخانه رژیم معبده دارد، قصد داشت با وسایل ضروری اقدام انقلابی رفقا جلوگیری به عمل آورد اما با چنان عکس العملی از جانب دانشجو یان مواجه شد که روانه بیمارستان گردید.

در روز ششم اردیبهشت ماه جاری مردم بسیاری از کشورهای جهان، شاهد افشاگرهای هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران علیه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بودند. هواداران سازمان در مراکز چند کشور اروپایی و شهرهای بزرگ آمریکا، کانادا و هندوستان، اقدام به برگزاری نمایش های حماسی کردند، چند کنسولگری و مراکز دیگر هیات نمایندگی های جمهوری اسلامی را در اعتراض به کشتار، شکنجه و سرکوب در ایران، به تسخیر خود در آورند. باره‌ای از اخبار رسیده در این زمینه را به اطلاع شما می رسانیم.

هلند
دانشجو یان هوادار سازمان چریک های فدائی خلق ایران روز ۶ اردیبهشت ماه، حدود بخشی از کنسولگری ایران در لندن به

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجساد کنیم

جنبش کارگری

کارگران از نظر لباس ایمنی شدیداً در مضیقه هستند. چون کار در این قسمت بسیار دشوار، حساس و نوام باخطر است فیلاً لباس ایمنی مناسب می‌دادند. اما از زمانی که جنگ شروع شده به‌سپاه جنگ این لباس‌ها را نداده‌اند. مدتی پیش بر اثر بافتاری کارگران موفق شده بودند عینک ایمنی بگیرند. اما در مورد لباس هنوز اقدامی نشده. هر صبح کارگران بصورت فردی مراجعه می‌کنند، اما مسئولین از دادن پاسخ طفره می‌روند.

پارس مثال، ۶۲/۱/۲۵ - هفته گذشته فخرالدین حجازی نماینده صلی مجلس ضد خلقی و کاندیدای دوره دوم این مجلس به کارخانه آمد و بعد از بازدید از قسمت‌های مختلف کارخانه در فاصله تویض دو شیفت سخنرانی کرد. سخنرانی وی که حدود ۴۰ دقیقه طول کشید در مورد انتخابات بود و در آن به تکرار عهلاتی پرداخت که پنج سال است همه سران رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی تحویل مردم داده‌اند و از جمله اینکه باید با کمبود وسائل زندگی عادت نمود. مثلاً "اگر ماشین نیست می‌توان با دو چرخه رفت و آمد کرد". کارگری که به سخنرانی گوش داده بود، وقتی که حجازی را سوار سبز دید می‌گفت "خودش سوار سبز می‌شود اما ما را نصیحت می‌کند که سوار دو چرخه شویم". خیلی از کارگران نیز همسرهای می‌گفتند. شب قبل از سخنرانی یکی از افسران انجمن اسلامی ساعت ۱۰ هنگام حرکت سرویسها به محل حرکت سرویسها آمده و به کارگران که داخل ماشین‌ها نشسته بودند گفت که فردا یک ساعت زودتر سرا بستگاه‌ها بیایید تا سخنرانی حجازی را گوش کنید که این حرف مورد اعتراض شدید کارگران قرار می‌گیرد و حدود نیمی از کارکنان از ماشین‌ها بسرون آمده و اعتراض می‌کنند. او هم که با این اعتراض همه جانبه مواجه می‌شود حرف خود را پس می‌گیرد.

صنای هنگام سخنرانی حجازی حدود غرار نفر در کارخانه بودند که تنها ۳۰۰ نفر در سالن محل سخنرانی حاضر بودند و بقیه بیرون قدم می‌زدند.

تولید آرزو - روز شنبه ۱۳۶۳/۱/۱۸ مدیریت شرکت طی اطلاعیه‌ای، اعلام کرد که شرکت برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل آماده است و از کارگران خواست که برای پیاده کردن طرح در شرکت نمایندگانی از طرف خود انتخاب کنند. این اولین باری است که مدیریت از این طرح نام می‌برد. به دنبال این اطلاعیه شورای اسلامی در مقابل آن موضع گیری کرد. روز یکشنبه ۶۲/۱/۱۹، جمعی یک روز پس از صدور اطلاعیه مدیریت، شورای اسلامی اطلاعیه‌ای صادر کرد به این مضمون که "طبق دستور حسب ویر و ماده ۱۰۰ آئین نامه مربوط به طرح طبقه‌بندی مشاغل، شورای اسلامی مسئول پیاده کردن طرح در شرکت می‌باشد و

احتیاجی به انتخاب مجدد نماینده از طرف کارگران نیست". در این اطلاعیه خطاب به مدیریت آمده است: "حای تأسف است که مدیریت شرکت خود را بالاتر از شخص نخست وزیر و بالاتر از هرازگانی می‌داند و از کارگران خواسته نماینده، دیگری برای اجرای طرح انتخاب کنند".

به دنبال این اطلاعیه، دیگر مدیریت هیچ واکنشی نشان نداد. البته مدیرکل شرکت از حزب الهی‌های دو آتشه است و اعضای شورای اسلامی نیز از داخل خود انجمن اسلامی انتخاب شده‌اند. این اولین باری است که چنین برخوردی بین مدیریت و شورای اسلامی روی داده است. سابق بر این در تمام تصمیم‌گیری‌های ضد کارگری هر دوی آنها شرکت داشتند. به دنبال اطلاعیه شورای اسلامی ۲-۳ بخش کوچک از شورای اسلامی پشتیبانی کردند ولی سایر بخش‌های اصلی ترو هیچ عکس العطفی نشان نداده‌اند. یکی از بخش‌هایی که از شورای اسلامی حمایت کرده به این علت است که نماینده "شورا" رئیس آن بخش می‌باشد و مشخص است که چه اعمال نفوسدی شده است.

در این مورد انجمن اسلامی موضع گیری قاطعی نکرده ولی در یکی از بخش‌هایی که از شورای اسلامی حمایت کرده، انجمن اسلامی نیز دست داشتند و از "شورا" حمایت کرده ولی در سایر بخش‌ها موضع گیری نکرده است. در این رابطه کارگران اکثر بخش‌ها هیچ حمایتی از مدیریت یا شورا نکرده‌اند و این امر به آن علت است که کارگران هیچکدام از این دو ارگان را قبول ندارند یکی دونه از کارگران پیشنهاد می‌کردند که بجای حمایت از این با آن، باید از شورای اسلامی بخواهیم که در مقابل کارگران جواب بدهد در این مدت دو سال ونیم که مشغول کار است چه خدمتی برای کارگران کرده و چرا در مقابل اخراج ۵ هزار کارگران در سال گذشته سکوت کرده، که حالا خود را نماینده کارگران می‌داند؟

نیروگاه بزرگ اصفهان - چندین پیش، انجمن اسلامی دیوار بزرگی را سفیدکاری نموده و آن را جهت نوشتن شعارهای ارتجاعی تدارک می‌بیند، لیکن فسل از اینکه انجمن اسلامی دیوار سفید شده را با شعارهای ارتجاعی آلوده کند، شعار "جنگ جنگ کوپروزی - ظلم و ستم امروزی - شده بدتر از دیروزی" با خط درشت بدون هیچگونه امضا نوشته می‌شود که عوامل رژیم چندروز مشغول پاکسازی آن بودند.

راه آهن تهران

سوی نخست وزیر مزدور بدون اطلاع قبلی برای بازدید به راه آهن تهران آمد و در ضمن سخنرانی برای کارگران و کارکنان راه آهن طبق معمول وعده و وعده‌هایی در مورد رسیدگی به وضعیت مسکن کارگران و برخی خواسته‌های دیگر داد. این در حالی است که رژیم در شکسته و ضد کارگری جمهوری اسلامی هنوز (۶۲/۲/۱۳)

بول اضافه کاری‌های اسفند ماه کارگران راه آهن را نداده و در سطح ایران عیدی کارمندان و کارکنان دولت را به پرداخت سکه (که آنهم با ۲-۳ ماه تاخیر باید دریافت شود) تبدیل کرد که بنا به گفته، یکی از مسئولین دولتی در جلسه علنی مجلس ضد خلقی "در این کار دولت چهار میلیارد تومان صرفه جویی خواهد کرد!!" آری در حالی که رژیم از حساب حقوق ناچیز کارمندان و کارگران بخش دولتی این مبلغ را "صرفه جویی" (در واقع دزدی) می‌کند و آن را حساب سودهای سرشار سرمایه داران اضافه می‌کند و با ادامه جنگ ارتجاعی سرمایه داران بین‌المللی را شاداب می‌کند، باید که با وعده و وعید کارگران را فریب دهد و تازه اگر هم این فریب موثر نشود. برای ایشان غمی نیست، سپاه سرمایه آماده است که با گلوله و زندان پاسخ دهد، مثل دخانیات و افسریه و دهها و صدها نمونه دیگر.

توان گاز

"حیدر احمدر" بر علیه موقلهای ضد کارگر. در اجتماعی که از طرف کارگران شرکت بمنظور رسیدگی به درخواست‌های رفاهی شان تشکیل شده بود، مهندس مدیر کارخانه طی سخنرانی مفتضحی سعی کرد کارگران را فریب دهد که با اعتراض شدید آنان مواجه گردید. در ضمن همین اعتراضات یکی از کارگران با فریاد "حیدر! حیدر!" که یادآور شعار اتحاد مردم خراسان بر علیه موقلهای اشغالگر در سریال تلویزیونی "سربداران" است، مانع اراجیف کوبی مدیر شرکت می‌شود. بلافاصله کلبه، حضار از وی تبعیت کرده و با شعارهای "حیدر! حیدر!" مهندس مزدور سرمایه داران را وادار به فرار از "صحنه" می‌کنند.

اعتصاب کارگران بنیاد مسکن (تزل قلعه) - در تاریخ ۶۲/۱۲/۱۷ کلبه کارگران بنیاد مسکن واقع در قزل قلعه به دلیل عدم پرداخت پاداش و عیدی از سوی کارفرما، دست از کار کشیده و با اجتماع در جلوی دفتر مهندسی خواستار دریافت پاداش و عیدی شدند. لیکن سرپرست کارگاه با عنوان کردن این مطلب که طبق قانون کار به شما که کارگر فصلی هستید عیدی تعلق نمی‌گیرد. از پذیرفتن این درخواست امتناع می‌کند. کارگران حرفهای او را قبول نکرده و برخواست‌های خود یافشاری می‌کنند. بالاخره سرپرست کارگاه می‌گوید که اگر از وزارت کار بونته‌ای بیاورید ما عیدی شما را می‌دهیم. کارگران این کار را به عهده، خود سرپرست گذاشتند و تا پایان آن روز هم از ادامه کار خودداری کردند. فردا صبح تا ساعت ده کارگران جلوی دفتر جمع شده و باهم مشورت می‌کردند. در این موقع یک نفر از وزارت کار آمد و طی سخنانی گفت که "نما کارگران فصلی هستید و عیدی به شما تعلق نمی‌گیرد و اگر از این لحظه سرکارتان برنگردید، شما را اخراج می‌کنم". کارگران که با این تهدیدات مواجه شدند بعلت ندانستن آگاهی کافی در دنباله در صفحه ۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمدمراتیک خلقهای ایران است

افشاکریهای هواداران

تصرف دانشجویان هوادار سازمان درآمد. رفقا که تصمیم داشتند بعد از افشاکری، بطور مسالمت آمیز سفارتخانه را ترک کنند مورد حمله جماعت داران رژیم در لندن واقع شدند و تعدادی از آنها دستگیر شدند. پس از این حرکت، توسط نمایندگان دانشجویان در لندن، طی یک کنفرانس مطبوعاتی برده از جنایات رژیم برداشته شد. دانشجویان هدف حرکتهای اعتراضی سراسری خود را جلب توجه افکار عمومی جهان نسبت به شرایط اختناق در ایران اعلام داشتند. سخنگوی دانشجویان، موجود یکصد هزار زندانی سیاسی و از جمله حدود ۱۰ هزار نفر از اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی اشاره نمود و از نفی ده‌لشهای امریالیستی آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلیس و اسرائیل در حمایت سیاسی و اقتصادی از رژیم ددمنشی جمهوری اسلامی برده برداشت. دانشجویان در پایان مصاحبه مطبوعاتی مذکور، توزیع قطعنامه‌های مربوط به حرکتهای اعتراضی خود خواستار اعزام هیات‌های بین‌المللی برای دیدار از زندانها و شکنجه‌گاههای ایران شدند.

آلمان

در شهر فرانکفورت، دفتر هواپیماهای ایران که یکی از مراکز جاسوسی علیه مخالفین رژیم است، در روز ۶ اردیبهشت ماه توسط دانشجویان هوادار سازمان در آلمان غربی اشغال شد. بعد از اینکه عکس‌های خمینی جنایتکار و شعارهای جمهوری اسلامی از دیوارها کنده شد، آرم و پوسته‌های سازمان و پلاکاردهای مبتنی بر افشای شکنجه و اختناق در ایران و در دیوارهای دفتر مذکور نصب گردید. دانشجویان قبل از رسیدن پلیس آلمان، محل مذکور را ترک کردند.

فرانسه

مقر هیات نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان یونسکو در فرانسه به مدت سه ساعت تسخیر دانشجویان هوادار سازمان درآمد. آنها بعد از مصاحبه با خبرنگاران در باره جنایات رژیم در ایران، محل مذکور را ترک گفتند.

انگلیس

تعدادی از هواداران سازمان خود را به نرده‌های مقابل درب سازمان ملل در وین زنجیر کردند. این اقدام به نشانه اعتراض به جنایتهای رژیم و سرکوب مبارزات حلقه‌های ایران و برای جلب توجه افکار عمومی به شرایط پرور و شکنجه در ایران صورت گرفت.

سوئد

هواداران سازمان در سوئد جهت جلب توجه افکار بین‌المللی به اوضاع فلاتکسار و شرایط پرور و اختناق روزافزون در ایران، دست به یک اعتصاب غذای اعتراضی زدند.

هندوستان

هواداران سازمان در دهلی ضمن برگزاری تظاهراتی در مقابل سفارت ایران در دهلی،

جنایات جمهوری اسلامی را افشاء کردند. در کانادا، ایتالیا و بلژیک نیز اقدامات مشابهی صورت گرفت. در آمریکا همزمان با اروپا در روز ۶ اردیبهشت در شهرهای بزرگ آمریکا مانند لوس‌آنجلس، شیکاگو، میامی، نیویورک، سان فرانسسکو و فلوریدا تظاهرات خیابانی هواداران سازمان، مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت. در این تظاهرات، صحنه‌هایی از اعدام و شکنجه در زندانهای رژیم به نمایش گذاشته شد و از جنایات روزافزون جمهوری اسلامی علیه مردم ایران برده برداشته شد.

"من قطعنامه دانشجویان هوادار سازمان که همزمان با حرکات اعتراضی بزرگان‌های مختلف توزیع گردیده است

ما خواهان قطع شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی در ایران هستیم. قریب یکصد هزار زندانی سیاسی که حدود ۱۰ هزار نفر از آنها از اعضا و هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران می‌باشند، در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و در دشوارترین شرایط زیستی بسر می‌برند. شکنجه‌های مدرن، با استفاده از دستگاه‌های شوک الکتریکی و شکنجه‌های قرون وسطائی نظیر استفاده از شلاق و غیره در زندانهای ایران اعمال می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی ایران علاوه بر زندانهای شناخته شده، ده‌ها زندان مخفی نیز تأسیس نموده که در آنها نیز شکنجه‌های فاشیستی اعمال می‌شود. اکثر زندانیان که تن به تنگ همکاری با رژیم را ندادند و از نظرات خود سر باز نمی‌زنند، پس از انقضای مدت محکومیت همچنان در زندان نگهداشته می‌شوند و با آنکه در حالت بلاتکلیفی و نامشخص بودن مدت زندان بسر می‌برند. آنها در واقع گروگان‌هایی محسوب می‌شوند که در صورت بروز اعتراضات توده‌ای و یا در پاسخ به فعالیت‌های سازمان - هائی که به آن تعلق دارند اعدام می‌شوند.

ملاقات با خانواده‌های زندانیان یا اصلاً امکان ندارد یا در شرایطی بسیار سخت و مشکل برای حدودی از افراد خانواده و به فاصله‌های زمانی طولانی امکان پذیر است. مطالعه شریات غیر رسمی اکیدا ممنوع و ناممکن است. مکاتبات به شدیدترین وجه کنترل می‌شود و گوش دادن به رادیوهای خارجی غیر ممکن است.

پاسخ رژیم در مقابل اعتراضات و اعتصاب غذای زندانیانی که به وضعیت رقت‌بار زندان اعتراض کرده‌اند، اعدام‌های دسته‌جمعی و اعمال شکنجه‌های بیشتر و شدیدتر بوده است. عمیق بغرت‌انگیز جنگ ارتجاعی ایران و عراق به‌مراه تبلیغات بعضی رسانه‌های خبری و تبلیغاتی غرب، بردهای برتعمای و اضمیات وحشتناک، افکنده است و علیرغم قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در مورد محکومیت اعدام‌ها و شکنجه در ایران و برغم اعتراضات نهادها و سازمان‌های دموکراسیک و مترقی جهان، رژیم جمهوری اسلامی هیچ نوع تفسیری در وضع زندانیان نداده بلکه بروحامت وضع آنان افزوده است. این اعتراضات نازیمانی که به یک اقدام عملی تبدیل نشده است،

می‌نواند به تفسیری در رفتار رژیم ایران منجر شود. بویژه آنکه بعضی کشورهای خارجی نظیر آمریکا، آلمان، انگلیس، ژاپن و اسرائیل با کمک‌های تسلیحاتی و اقتصادی خود به رژیم ایران، نه تنها مانعی در سر راهی نبودند بلکه سردمداران جنایتکار این رژیم را به ادامه اعمال خود تشویق نموده‌اند. حرکات اعتراضی ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در این روز انجام می‌گیرد بر مبنای خواسته‌های زیر است:

- ۱- فرستادن هیاتی جهت بررسی وضع زندانیان سیاسی ایران و پخش گزارش این هیات.
- ۲- قطع کمک‌های تسلیحاتی و اقتصادی به رژیم جنایتکار ایران.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کشورهای آلمان، آمریکا، انگلستان، ایتالیا، اتریش، بلژیک، سوئد، کانادا، فرانسه، هند و هلند.

۲۶ آوریل ۱۹۸۴ برابر با ۶ اردیبهشت ۱۳۴۳

گوشه‌ای از ...

راهبیمایی زده و بر علیه رژیم جنایتکار خمینی شعار می‌دهند. از جمله شعارهای این راهبیمایی "مرگ بر خمینی" بوده است. روز بعد از این راهبیمایی رژیم جنایتکار در حدود ۱۲ نفر از مردم را دستگیر و زندانی می‌کند.

یا سداران ارتجاع باز هم جنایت‌نازما می‌آفرینند تهران - در تاریخ جمعه ۱۴/۲/۱۳۴۳ حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر در تقاطع خیابان جمهوری - اسکندری تویوتای گشت منطقه ۸ سیاه پاسداران بدلیل ناهلومی با سرعت زیاد یا چند اتومبیل و عمار و دکه روزنامه‌فروشی نیش چهارراه برخورد کرد که منجر به کشته و زخمی شدن عده زیادی گردید. از جمله احتضالا "نعمانی شش سرشنس یک‌پیکان سواری، یک مادر و بچه‌اش که شدت برخورد به حدی بوده که سر مادر از بدنش جدا شده، جزو کشته‌شدگان بوده‌اند. شاهدین تصادف تعداد کشته‌شدگان را در حدود ۱۴ نفر ذکر کرده‌اند. - بلافاصله بعد از این تصادف هولناک که سالهاست نظیر این حوادث در گوشه و کنار مهنمان اتفاق می‌افتد، مردم خشکین که دیگر برایشان مسجل شده که این کمیت‌های او با سدارها جز شتی ارادل و لیس‌های قاچاق فروش و منحرف گسان دیگری نیستند و این تصادفات بی‌دربی بر اثر اخلاق و رفتار غروانسانی این مزدوران و یا ناشکی حاصل از حشیش یا مواد مخدر دیگر است در محل احتضام کرده و نسبت به این جنایت با سداران اعتراض کرده و حتی در مواردی علناً شعارهای ضد رژیم و مرگ بر خمینی شنیده می‌شد.



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدائیست

جلیات رژیم در زندانی

اعدام ۷۰ تن از فرزندان انقلابی خلق در شیراز
اواسط اردیبهشت ماه رژیم جنایتکار
جمهوری اسلامی بار دیگر تعدادی از بهترین
فرزندان خلق را که شامل انقلابیون کمونیست
و دیگر رزمندگان می شد به جوخه های مرگ سپرد
اعدام تدگان اکثرا "محکومیت هایشان قسلا"
تعیین شده بود و دوران محکومیت خود را
می گذراندند برخی از آنها حتی دوره
محکومیتشان سرآمده بود. این حرکت وحشیانه
رژیم نیتها اوج وحشت او را از مبارزین در
بند می رساند بلکه در عین حال درماندگی و
استیصال رژیم را در مقابل موج توفنده جنبش
نوده های و پیشگامان خلق نشان می دهد. باشد
که توده های میلیونی با قیام شکوهمند خود
انتقام تمامی این جنایات را از سرکوبگران و
جلادان حاکم بازستانند.

اعدام ۱۰۰ تن از انقلابیون در زنجان
در سال جدید حدود ۱۰۰ نفر از زندانیان
سیاسی زنجان اعدام گردیده اند که بجز ۴ نفر
که از اهالی زنجان بودند، بقیه از شهرستان های
دیگر بوده اند. اسامی و علل اعدام آنها اعلام
نگردیده است.

رشت و انزلی - در سال جدید
دستگیری های زیادی در شهرهای رشت و انزلی
صورت گرفته است و اغلب زندانیانی که قبلا
آزاد شده بودند، دوباره بازداشت گردیده اند.

"ملاقات نمایشی"

به دنبال افشاکری های هواداران سازمان
در خارج از کشور نسبت به جنایات رژیم جمهوری
اسلامی در زندان ها، رژیم جنایتکار دست به
یک حرکت نمایشی زد، بدین صورت که در
زندان اوین و قزلحصار کرج تعدادی از خانواده ها
را فراخواند و ضمن دادن ملاقات حضوری و نهار
از خبرنگاران داخلی و خارجی خواست تا از
این صحنه نمایشی عکس بگیرند. در زندان
اوین این نمایش محدود به توبین بود. اما در
قزلحصار عمدتا "آزادستانه خانواده زندانیان
که فرزندان جریمهای جزئی داشتند (۵ نفر از
هر خانواده و جدا "خانواده ۵۰۰ زندانی)
دعوت کردند و غذای مفصلی نیز در مقابل
زندانیان و خانواده هایشان قرار دادند.
زندانیان که تا آن موقع چنین غذاهایی ندیده
بودند با بهت و هیبت به صحنه می نگریستند
همچنین حدود ۱۰۰ نفر سیاهی که لباس زندانیان
نادم را به تن کرده بودند مهره گردان صحنه
بودند و طبق معمول همیشگی خود شعارهای
کذابی رژیم را تکرار می کردند تا خانواده ها
تصور کنند که اینان نادمینی هستند که به آغوش
رژیم جنایتکاران بازگشته اند. جریان فیلم -
برداری از ظهر شروع شد و تا غروب ادامه
یافت. اما اینگونه صحنه سازیها نیتها نمی تواند
جنایات رژیم در زندانها را مخفی کند بلکه
رژیم را بیش از پیش رسوا خواهد ساخت چرا
که آنچنان این صحنه ها مصنوعی و مسخره است
که هیچکس را فریب نمی دهد. سال گذشته نیز
به دنبال فشار افکار سبب المللی و نگرانی جهانی
نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی در ایران،
چنین نمایشی برگزار گردیده بود.

علیه رژیم

سخنرانی میکنند که بسیاری از مردم بعنوان اعتراض
یکی پس از دیگری مراسم را ترک کرده و عملا
مخالفت خود را به نمایش می گذارند. از طرف
دیگر، بعد از حملات مذکور، شعارنویسی بر علیه
رژیم و سیاست های ویرانگرش رشد چشمگیری
یافته است. بعنوان مثال: در اکثر کوچه های
وابسته به خیابان علوی (که یکی از خیابانهای
بزرگ و معروف خرم آباد است) شعارهای ضد
جنگ و ضد رژیم بسیاری از جمله "مرگ بر خمینی
جلاد"، "مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی"
نوشته شده است. در همین رابطه اعلامیه -
هایی با عنوان گروه "نقا" در بعضی از نقاط
شهر توزیع گردیده که مردم را به اعتراض بر
علیه سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی جمهوری
اسلامی فراخوانده است. بطور کلی در تمام
مناطق جنگی حرکات اعتراضی توده ها بر علیه
اتامه جنگ ارتجاعی بعد از حملات موشکی
اخیر افزایش چشمگیری یافته که این خودنویس
برگ محتوم رژیم سرتاپا ارتجاعی حاکم است.

مبارزه بر علیه رژیم سرمایه داری و کسب حقوق
حقه خود، با ناراحتی به سر کارهای خود
بازگشتند ولی اغلب می گفتند که "ما هم مثل
سابق کار نمی کنیم و هر طور شده از زیر کار
در می رویم."
کارگران در این حرکت خود دریافتند که
قانون کار سرمایه داران بجنف سرمایه داران و
برای سرکوبی و پایمال نمودن حق کارگران
است و تا زمانی که نه تنها قانون کار، بلکه
تمامی قوانین بدست توانای کارگران نوشته و
اجرا نشود، حقوق آنها همواره پایمال خواهد
شد.

لیکن این توطئه هم خیلی موثر نیفتاد. نتیجه
انتخابات توده های محکمی بود "انجمن اسلامی"
ارتجاع. هیچیک از روسای سابق تعاونی در
هیات مدیره آراء چشمگیری بدست نیاوردند و
تنها دو نفر از اعضای انجمن اسلامی برای
هیات مدیره جدید انتخاب شدند. در حالی
که کسانی که نامشان را با تقلب و زور از لیست
کاندیدها حذف کرده بودند باز هم دوباره
اعضای "انجمن اسلامی" رای آوردند.

توضیح و بپوش
۱- در ضمیمه خبری کار ۱۷۹ صفحه ۶
شون سوم نام کارخانه از قلم افتاده که کارخانه
"دوگاز" می باشد.
در صفحه اول ضمیمه خبری کار ۱۷۹ در خبر
صانع فولاد اهواز نوشته شده که "بارنامه اسلحه"
که صحیح آن "بارنامه با زور اسلحه" می باشد.

برزدیهای خود بگذارند، ولی با سواهی تمام
کارشناسان آتش نشانی اعلام کردند که آتش
سوزی از داخل شروع شده و علاوه صورت اموالی
را که مسئولین تعاونی مدعی بودند سوخته،
نابید نکرده و گفتند که چنین احصای اصلا
سوخته و تازه به مقداری که ادعا می شود نبوده
است!
بالاخره با تمامی توطئه های انجمن اسلامی
ضد مردمی دانشگاه، پس از دوبار کارشکنی در
انتخابات جدید و جلوگیری از ادامه کار دو
نشت مجمع عمومی قلی بدلائیل واهی ویس
از سه ماه تعطیلی تعاونی، مجمع عمومی تعاونی
روز چهارشنبه ۶۳/۲/۱۳ تشکیل گردید.
انجمن اسلامی که تا این مرحله نتوانسته بود
کاری از پیش ببرد و می دانست که کسی به آنها
رای نخواهد داد، در آخرین لحظه با توسل
به رئیس دانشگاه از کاندیدا شدن عده ای از
کارکنان (بخصوص کارمندان کارگزینی) که با
صحت های خود چهره این مزدوران را افشا
کرده بودند، جلوگیری کرده و توسط رئیس
دانشگاه عده ای را از انتخاب شدن محروم
کردند، کاری که خلاف اصول و اساسنامه تعاونی
بوده و اصلا "بیطبی به رئیس دانشگاه ندارد.

دزدهای "انجمن اسلامی کارکنان دانشگاه
تهران"، پس از چهار سال غارت و چپاول
اموال شرکت تعاونی، سرانجام با رای قاطع
کارکنان دانشگاه برکنار شدند.
انجمن اسلامی این مزدوران سرمایه در
کارخانه و اداره و دانشگاه و ... که امروزه
در همجا دستان در دزدی و جنایت و فساد
رو شده است، در دانشگاه تهران مدتهاست که
با سماجت تمام و با استفاده از هرا مکانی سعی
می کنند محل دزدی خود - تعاونی کارکنان -
را از دست ندهند تا هم محلی برای سوء استفاده
و دزدی داشته باشند و هم دزدی های قبلی
شان برملا نشود. این بانده مرتجع مزدور،
مدت سه سال بود که از تشکیل مجمع عمومی
سالانه شرکت تعاونی جلوگیری می کرد تا مابدا
ناچار شوند حساب پس بدهند و همچنین، به
علت اینکه کمترین اعتباری در بین کارکنان
ندارند، می ترسیدند که با رای گیری جدید
همگی شان مجبور به ترک این "سنگر" مستحکم
دزدی و چپاول گردند. در سال ۶۱ که بر اثر
فشار کارکنان پایان سلطه ننگینشان را نزدیک
بی دیدند، با آتش زدن عمدی شرکت تعاونی
در شب چهارشنبه موری خواستند که سرپوشی

زندانی سیاسی به قدرت نوده ها آزاد باید کرد



بیرامون "انتخابات"

آیه تعطیلی جمعه و پنجشنبه و مسافرت رفتن مردم نسبت داد.

اما آنها هم که در "انتخابات" شرکت کردند، گلی به سر جمهوری اسلامی نزدند. آنها که از روی اجبار و ترس و از این قبیل و برای مهر خوردن شناسنامه رای داده بودند، هرچه دلشان خواست در عرفه‌ها نوشتند، از خان هفول و خان باشتن و هینتر و صدام تا "گره‌نره" و "گول" و... تا برج و تخم مرغ و سیب زمینی و صدها طنز و شعار و ناسزا، عده‌ای هم بی تفاوت به این که چه کسی به مجلس برود یا نبود، ورقه را بدست "حاضرین در صحنه" یعنی افرادی که برای برگردن جای خالی مردم توسط رژیم استخدام شده بودند می‌دادند تا هرچه دلشان خواست بنویسند و عده‌ای هم محتاطانه رای سفید می‌انداختند. چرا رژیم این بار سر خلاف دفعات قبل بوقتی شناسنامه‌ی مهر خورده را بدست رای‌دهنده می‌داد که رای را بصندوق انداخته باشند. چون دفعات قبل بسیاری فقط شناسنامه‌شان را مهر کردند بدون اینکه رای انداخته باشند. از اغلب مردم که می‌پرسیدی "چرا رای ندادی؟" اغلب "فرمایشی بودن" و "از پیش معلوم بودن" و "ساختگی بودن" انتخابات را مطرح می‌کردند. "وکلای مجلس فعلی چه عطلی تکسردند که اینها بخواهند بکنند" و...

رژیم برای بیرون آوردن اسامی افراد مورد نظر خود از صندوق‌ها از هر شیوه ممکن استفاده کرد، نوشتن اسامی روی عرفه‌های افراد بی سواد و باسواد و بی تفاوت و ساده و بی دست و پا، تا نگارندن نوجوانان کم سن و سال برای هز نوم تقلب، می‌خواهد "مردم در صحنه" باشند یا نباشند، فرقی نمی‌کند.

"حاجی آقا" مسئول یکی از صندوق‌ها میگوید اینها که پشت صندوق‌ها نشستند مورد اعتماد مردمند، قند و شکر و برنجشان را اینها می‌دهند، رای را هم اینها برایشان بنویسند چه اشکالی دارد!

اما با همه این ترفندها، نمایش مسخره از آب درآمد، ناچار راه دیگری را هم آزمودند. رای دادن با اوراق شناسایی غیر از شناسنامه با فتوای جلاد بزرگ خمینی "قانونی" شد و نتیجه آنکه در پادگان‌های تهران، برگ مرخصی سربازان را هم با مهر سنگین تقلب آلودند و دهها شیوه دیگر که مجال دگرگان نیست.

انتخابات، حوزه‌های خالی از رای - دهندگان، در دور اول و دوم صندوق‌های پر شده از آرای تقلبی، فقط حامیان امپریالیست رژیم را به تحسین و تقدیر از دموکراسی اسلامی واداشت، اما ناظرین همشگی تاریخ، توده‌های انقلابی مردم، در هم‌معا تحریم بزرگ استقامات را به چشم خود دیدند. ۳۶۰ هزار رای از اصفهان ۳ - ۲ میلیون جز تحریم چه معنایی می‌تواند داشته باشد، حال آنکه همین ۳۶۰ هزار رای را هم بعلت تقلبات مروان‌انی که گندش درآمده بود باطل اعلام کردند.

از میان گزارشهای گزارشگران سازمان

(*) **کردستان** - برخلاف گفته‌های سران رژیم، در اغلب شهرهای کردستان، انتخابات توسط مردم تحریم شده بود. در سنجند مردم بی تفاوتی کامل با مسأله انتخابات برخوردار می‌کردند و احياناً "اگر کسی از مردم رای می‌داد، صرفاً بخاطر مهر خوردن شناسنامه‌اش بود و... اغلب صندوق‌ها را افراد خود رژیم و پرسنل ارتش و سپاه و کمیته و... که رژیم از سایر نقاط به آنجا گسیل داشته، پر کردند.

(*) **کرج** - شهر نسبتاً خلوت است و مثل روزهای تعطیل بعضی از مغازه‌ها باز و برخی دیگر بسته‌اند. در مرکز شهر (میدان کرج) دور دستفروشها که اغلب رادیو ضبط، لباس دست دو و... می‌فروشند تلوع است. ماشین‌های گشتی پاسداران مرتب در حرکتند و مردم نسبت به آنها بی‌اعتنا. در خیابان اصلی شهر سه حوزه رای‌گیری دایر است ۱- حوزه مسجد جامع، ۲- حوزه شهرداری و ۳- حوزه روبروی مسجد جامع. دکه کمک‌رسانی به مجسبه‌ها که در آن نزدیکی است، کاملاً خلوت است و مسئول آن با بلندگو مرتب تقاضای کمک‌های نقدی و جنسی را می‌خواند، در حوزه شهرداری زنان و مردان در دو صف ایستاده‌اند. در صف مردها هیچکس حرف نمی‌زند. صف زنان آکنده از ولوله است... یکی از زنان به کند کار کردن مسئول اشاره می‌کند، "چرا اینقدر فس‌فسی می‌کنند آخه ما بیجه مونو خونه گذاشتیم..."

(*) **رشت** - بر مردی معروف به "تقی شکم" و زنی به همراهش که کنار خیابان زندگی می‌کنند آرای زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. یکی از مسئولین انتخابات می‌گفت "بیشترین آرا نام اینها نوشته شده بود... گویا مردم با هم تسانی کرده‌اند آنقدر خواندن آرا خنده دار شده بود که... دیگری می‌گوید "خیلی‌ها رای ندادند آنها هم که رای دادند بسیاری شان به هینتر و صدام و... رای داده‌اند."

(*) **در یکی از کارخانه‌های اطراف تهران، کارگران بنظور رای ندادن به اضافه کاری تن می‌دهند و در آنها بنظور تفریح و مسخره کردن انتخابات، کارتنی را بصورت صندوق درست کرده و از همکاران خود می‌خواهند رای بدهند، هرک روی کاغذ چیزی می‌نویسد و در کارتن می‌اندازند، بعد کارتن را باز کرده و آراء را می‌خوانند که هر کدام مطلبی طنزآمیز نوشته بودند. بعد از آن در آن را می‌بندند و با کارتن فوتال بازی می‌کنند و در ضمن بازی کردن نیز عوامل رژیم را مسخره می‌کنند مثلاً "می‌گفتند رفسنجانی را شوت کن... به این ترتیب کارتن در زیر پاهایشان لگدکوب می‌شود."**

(*) **یکی از حبه‌های جنوبی جنگ** - از یک آتشبار حدود ۶ نفر، وقتی صندوق رای را آوردند تقریباً هیچکس رای نداده، سربازان

مسئولین انتخابات را به مسخره می‌گرفتند، یکی می‌گفت "اهدایی شما را هرکجا می‌برید رای را هم همانجا بروید بگیری" (منظور کمک‌های "اهدایی" مردم است که اغلب آنها را به سپاه و بسیج می‌دهند و به دست ارتشی‌ها نمی‌رسد) دیگری می‌گفت سه دفعه رای دادیم کارمان به اینجا کشید (منظور حبه) وای به حال چهارمیش و دیگری رو کرد به مقیبه و گفت "بابا برید بی کارتون" و خطاب به مقیبه گفت بریم نخته نزد بازی کنیم، سرگروه‌بان هم که به هوای به خط کردن افراد رفته بود خودش هم برنگشت.

(*) **پادگان‌های تهران** - رای‌گیری اجباری حتی بدون شناسنامه صورت گرفت و تا کسی رای نمی‌داد برگه مرخصی به او داده نمی‌شد. حتی بدون شناسنامه روی برگه مرخصی صادره مهر انتخابات می‌زدند.

(*) **زاهدان** - نماینده خمینی جلاد در زاهدان یکی از افراد خودش را که اهل و ساکن بیرجند است، برای نمایندگی مجلس از زاهدان معرفی و تأیید کرده است. افراد بومی با صلاحیتشان رد شده و یا مورد تائید حضرت آقا، نبوده‌اند. در همین رابطه تظاهرات و درگیری‌هایی رخ داده که منجر به اعزام نیروهای کمکی از تهران و برخی شهرهای دیگر گردیده است.

(*) **آمل** - پدر یکی از کاندیداهای این شهر آخوند و پدر دیگری جوان است. طرفداران هر دو مرتجع در شهر تظاهرات کرده و گروهی شعار می‌دادند "ما مفت خور نمی‌خواهیم و طرفداران دیگری می‌گفتند "ما جوان نمی‌خواهیم"

(*) **مشکین شهر** - بین طرفداران آیت‌اله همتی و آیت‌اله مقدسیان در جریان رای‌گیری درگیری شدیدی رخ داده است. طرفداران هر کدام در شهر و روستاها دست به تظاهرات زده و بر علیه دیگری افشاکاری کرده‌اند. برای سرکوب تظاهرات از تیریز نیرو اعزام شده است. در جریان شورش آراء تعدادی از صندوق‌ها مفقود شده طرفداران مقدسیان می‌گویند تقلب آنچنان آشکار است که احتیاج به دور دوم انتخابات نیست، بالاخره همتی بر دور عنوان "نماینده" از صندوق‌ها بیرون می‌آید. همتی مورد تائید آیت‌اله مشکینی و منفور اهالی است. در جریان تظاهرات شعار "مرگ بر همتی" فراوان داده شده است.

چپش توده‌ای ..

می‌رسید چنین تحریم گسترده‌ای صورت گرفته است. رژیم اخیراً در بی تعطیل شدن این کلاس فرمایشی، مصلحتان را تهدید به کسر حقوق کرده است.

★ ★ ★

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

جنبش نیروهای

اشغال شهرداری منطقه ۵ توسط پرسنل نیروی هوایی

پس بگیرد که باز هم موفق نمی شود. اشغال شهرداری تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه داشت و با صحبت هایی که بین آنان با کارکنان شهرداری شد باین نتیجه رسیدند که با اشغال شهرداری منطقه نمی توان کاری از پیش برد و لافاقل باید به شهرداری مرکز رفت. لذا در این ساعت گروگانها را آزاد کرده لیکن چند نفر از مهندسين را با خود برده و ساختمان را ترک می کنند که به دنبال آن سپاه در آنجا مستقر می شود.

در این حرکت کارکنان شهرداری که خود از افسار رحمتکش مردم هستند، با پرسنل نیروی هوایی که خانه هایشان به دستور رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تخریب گردیده، اسرار همدردی کردند و نشان دادند که توده های رحمتکش سپهنا نه بر علیه یکدیگر که همه با هم بر علیه رژیم مبارزه می کنند که نه می خواهد و نه می تواند به مردم کار، مسکن و آرازی بدهد.

تهران - صبح روز پنجشنبه ۶/۲/۶۲، گروهی از پرسنل نیروی هوایی ساختمان شهرداری منطقه ۵ واقع در آریا شهر بین فلکه اول و دوم را به تصرف خود در آورده و پس از شکست خسته ها و برهم زدن دفاتر شهرداری، تعدادی از کارکنان آنجا را به گروگان گرفتند. این اقدام پرسنل نیروی هوایی بدن سال حمله شب پیش شهرداری به ساختمان های نیمه ساخته پرسنل این نیرو در منطقه، یونک بالای باغ فیض بود که طی آن شهرداری با استفاده از لودر و بیلدو زرو با بسج افراد خود از چند منطقه، شهرداری خانه های نیمه ساخته، آنان را خراب کرده و مصالح وجود در محل را داغان می کنند و با وجودی که مقاومت افراد حاضر در محل مواجه می شوند، لیکن کار خود را پیش برده و ساختمان ها را بتکلی خراب می کنند.

پس از اشغال شهرداری، در ساعت ۵/۱۰ سپاه پاسداران سرمایه به محل حمله می کند تا افراد نیروی هوایی را بیرون کند. لیکن به علت مقاومت پرسنل موفق نمی شود. ناچاراً به برخی از فرماندهان نیروی هوایی متوسل شده و با گرد آوردن تعداد زیادی پاسدار مجدداً به ساختمان یورش آورده و با تیراندازی و ارباب سعی می کنند ساختمان را از افراد نیروی هوایی



پیرامون انتخابات فرمایشی

از دو سه سال پیش مرسوم شده بود، خود ۱-۲ میلیون نفر به تعداد رای دهندگان می افزود از طرف دیگر، قبل از دور اول انتخابات و در فاصله دور اول تا دوم تا توانستند، کویتهای جدید ارزاق عمومی را اعلام کردند، تعداد زیاد کویتهای تازه اعلام شده آنقدر بود که تعجب مردم را برانگیخت، حتی روز انتخابات در یک طرف خیابان صف طولانی تخم مرغ بود و در طرف دیگر تک و تنوک افرادی که برای رای دادن به محل صندوق ها می رفتند. "رشوهای که از این طریق رژیم برای فریب مردم داده بود، نه تنها فایده ای نداشتند، که همه می دانستند و می گفتند "این کویتهای مخصوص انتخابات اعلام کرده اند"، بلکه وجود صفهای طولانی در خیابان ها برای خرید تخم مرغ و کره کویتهای درست در روز انتخابات دلپلی شد برای مردم و که ناطق نوری جنایتکار را به ریشخند گیرند، وقتی که در مصاحبه تلویزیونی بکشید ۳۰ اردیبهشت (که دوشنبه از تلویزیون پخش شد) خود شرکت نکردن مردم در انتخابات فرمایشی و تحریم آن بخصوص در دور دوم

دنباله در صفحه ۵

از ماهها قبل رژیم در تدارک سرگزاری "انتخابات" و نمایش دموکراسی فلابی خویش بود، رژیم می دانست که دیگر "امت همیشه در صحنه" اش، جز مشتاقان مزدوران حیره خوار و عده، قلبی که هنوز به رژیم توهم دارند، کسان دیگری نیستند و با این افراد نمی توان چنین نمایشی را به وسعت سراسر ایران اجرا کرد، این دیگر صفهای نماز جمعه نبود که بتوان با چرخش های دوربین تلویزیونی و بزرگ نمایی های تبلیغاتی آنرا عظیم جلوه داد، می توان نمایش جمعه را در محیط محدود و بسته دانشگاهها، استادبوم ها و مساجد اجرا کرد و به آن آب و رنگی داد، اما نماشاگران این نمایش تازه، انتخابات مجلس ضد خلقی، نمایشی مردم اسران از شهری و روستایی و کارگر و زحمتکش و کارمند بودند، دیگر باسانی نمی شد آنان را فریب داد، و دم از هجوم بیسابقه ای زد که هیچکس ندیده است و آخر سر مدعی شد که "۲۰ - ۳۰ درصد بیشتر از دوره های قبلی شرکت کرده اند" براین اساس رژیم آنچه را که در توان داشت در این نمایش سرمایه گذاری کرد، گاهش سن رای دهندگان به ۱۵ سال که

اعتصاب دو روزه، مظان داغان در هفته، آخر فروردین ماه ۶۳، آموزش و پرورش داغان بطور یسنانی سالفی را بعنوان پاداش و اضافه کاری به فرهنگیان حزب الهی پرداخت می کند. به علت اختلافاتی که بین خود حزب الهی ها و مسئولین مزدور آموزش و پرورش بر سر چگونگی عارت پول مردم روی داد فضا به در سطح شهر بر ملا گردید. بلافاصله کلبه، سلطان دست از کار کشید و تمام مدارس حال تعطیل در می آمد، این اعتراض گسترده فرهنگیان بر علیه فساد و ناندبازی در امور دولتی بازتاب وسیعی در منطقه یافته و منجر به اعتراض شدید فرهنگیان شاهرود نیز می شود. تعطیل مدارس داغان دو روز متوالی ادامه یافت.

دانشگاه تهران در یکی از روزهای فروردین ماه، در بالای یکی از عکس های خمینی که مقابل درب ورودی دانشگاه آدبیات نصب شده بود، شعار "مرگ بر خمینی جلاد" با خط قرمز درشت و خوانا نوشته می شود که باعث جلب توجه همه می شود. حزب الهی ها و مزدوران رژیم به تکتابو افتاده و برای یافتن نویسنده، شعار به بازرسی بدنی و تعقیب می پردازند و از روی استیصال از هر کسی که مورد ظن بوده بازجویی می کنند.

تحریم موفقیت آمیز کلاسهای اجباری "ایدئولوژی" توسط مظان ناحیه ۱۰ تهران در فروردین ماه سال جاری بالاخره کار کلاسهای ورشکسته "ایدئولوژی" مظان زن ناحیه ۱۰ تهران به تعطیل کشید. از ابتدای سال تحصیلی جاری که این کلاسها با تاکیدات و تهدیدات پنهان و آشکار و با حضور جنده نفر تشکیل گردید، همگی در آن تکرر بودند که چگونه از شر این برنامه تحمیلی خلاص شوند. صحت های دوستانه ای در این مورد در جمع های چند نفری مطرح می گردید تا اینکه بتدریج نشانه های تحریم علنی این جلسات آشکار گردید، تا آنجا که بالاخره در ماههای اخیر این کلاس با حضور ۱۵ - ۱۰ نفر تشکیل میشد که آنهم چند نفری از روی ترس از عکس العمل رژیم و چند نفری هم مزدور حزب الهی بودند در هفته گذشته (اوایل اردیبهشت و اواخر فروردین) کلاس ۵ - ۴ نفره "ایدئولوژی" با آبروریزی آشکاری که صدایش در تمام ناحیه پیچید تعطیل گردید (لازم به یادآوری است که همین کلاس در سال گذشته با حضور حداقل ۴۰۰ - ۳۰۰ نفر در هر جلسه تشکیل می شد و امسال با وجودی که بخشنامه های مکرری از طرف ناحیه در مورد شرکت در کلاس "ایدئولوژی" دنباله در صفحه ۵